

بررسی قانون برنامه توسعه در پرتو قوانین و مقررات سازمان تأمین اجتماعی

میلاد وارسته منشادی^۱، بهاره عزیزی^۲

چکیده

هدف: نقد و بررسی قوانین توسعه توسط اساتید، صاحب‌نظران و حقوق‌دانان می‌تواند چشم‌انداز روشنی از آنچه در خصوص اصول صحیح نگارش قانون مقصود است را ترسیم نماید و چنین عاملی یقیناً در نگارش قانون توسعه آتی راه‌گشا خواهد بود.

روش: این پژوهش حاصل بهره‌گیری از روش تحلیلی - توصیفی است و روش گردآوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع مختلف از جمله قوانین برنامه توسعه کشور هست.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: با مذاقه و امعان نظر پیرامون قانون برنامه توسعه در پرتو قوانین و مقررات سازمان تأمین اجتماعی، معیارهای اصولی احکام قانون برنامه توسعه تبیین گردید. قانون برنامه توسعه اصولی باید دارای خواسته‌های روشن، اهداف معین، راهبردهای مشخص، زمان‌بندی معین، معیارهای اندازه‌گیری، شاخص‌های ارزیابی و جدول‌های کمی باشد. همچنین باید همسو با اسناد بالادستی (قانون اساسی، سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی نظام) بوده و ماهیت دائمی نداشته باشد. علاوه بر این قابل اجرا در ظرف زمانی برنامه، متناسب با منابع در دسترس و توأم با تأمین بار مالی مصوبات باشد و امکان ایجاد ارتباط ساختاری با بودجه‌های سالانه، واژگان روشن، صریح و بدون ابهام و اشاره مستقیم به دستگاه اجرایی مسئول اجرا، سازوکارهای نظارتی مشخص و ضمانت اجرای مؤثری را داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: سازمان تأمین اجتماعی، قانون برنامه توسعه، مشخصات قانون مطلوب.

۱- کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، کارمند سازمان تأمین اجتماعی (نویسنده مسئول) Mr.varasteh@outlook.com

۲- کارشناسی ارشد نانوفیزیک، کارمند سازمان تأمین اجتماعی.

۱. مقدمه

برنامه‌های توسعه پنج‌ساله یا برنامه‌های میان‌مدت، با توجه به شرایط محیطی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و مبتنی بر سیاست‌های کلی نظام تهیه می‌شوند و به‌عنوان ابزار نهادی موجود در نظام قانونی کشور، در راستای ارائه و اعمال راه‌حل‌های مواجهه با مشکلات اصلی و میان‌مدت کشور و تبیین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت مورد استفاده قرار می‌گیرند. نخستین هدف تمامی این برنامه‌ها، پیشبرد فرآیند توسعه‌یافتگی در این مرز و بوم هست. میزان برخورداری مردم از ابعاد گوناگون تأمین اجتماعی یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های توسعه ملی است که در برنامه‌های توسعه نیز مورد توجه برنامه‌ریزان قرار می‌گیرد. جایگاه هر یک از موضوعات بخشی یا فرابخشی در برنامه‌های توسعه ملی، بیانگر میزان توجه برنامه‌ریزان و اهتمام نظام به آن موضوع است. تأمین اجتماعی به‌عنوان موضوعی که نیازها و خواسته‌های اساسی عموم مردم را تأمین می‌کند باید جایگاه مناسبی در برنامه‌های توسعه داشته باشد. در این راستا رعایت اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی و تعیین سازوکار برای انطباق لوایح و طرح‌های قانونی با تأکید بر قابل اجرا بودن قانون و قابل‌سنجش بودن اجرای آن، شفافیت و عدم ابهام، استحکام در ادبیات و اصطلاحات حقوقی و به‌عبارتی جامع و مانع بودن قانون، مسیر را برای اجرای قانون هموار می‌سازد. بدین سبب بررسی قانون برنامه توسعه در پرتو قوانین و مقررات تأمین اجتماعی جهت سنجش جامعیت و اطمینان از قابلیت اجرای قانون در بوتۀ آزمایش قرار گرفته است. رهیافت این پژوهش پاسخ به این سؤال اصلی است که قانون برنامه توسعه مطلوب چه مشخصه و ویژگی‌هایی دارد. چگونگی فرآیند تدوین و تصویب برنامه پنج‌ساله، راهبردهای پیش روی سازمان در تدوین برنامه هفتم توسعه و پیشنهادهای راهبردی و همچنین بررسی شماری از مواد برنامه توسعه کشور و تبیین اینکه چه چالش‌هایی برای سازمان تأمین اجتماعی ایجاد نموده، ملحوظ گردیده است.

هدف پژوهش حاضر، شناسایی و دسته‌بندی ویژگی‌های مطلوب یک قانون برنامه پنج‌ساله و نیز تبیین و تحلیل حقوقی چالش‌های اجرای موادی از قوانین برنامه توسعه در عرصۀ تأمین اجتماعی هست. فلذا نقد و بررسی قوانین توسعه توسط اساتید، صاحب‌نظران و حقوقدانان می‌تواند چشم‌انداز دقیقی از آنچه در خصوص اصول صحیح نگارش قانون مقصود است را ترسیم نماید و چنین عاملی یقیناً در نگارش قانون توسعه آتی راه‌گشا خواهد بود.

۲. چهارچوب نظری پژوهش

۲-۱. بیان مسئله

در راستای سیاست‌گذاری اصولی سازمان تأمین اجتماعی باید راهکارهای تعاملی مؤثری را اتخاذ نماید

تا بتواند در فرآیندهای تدوین پیش‌نویس احکام قانون برنامه هفتم توسعه نقش مؤثری ایفا کند و لایحه قانونی برنامه هفتم با رعایت الزامات علمی و اقتضات بیمه اجتماعی تصویب و به مجلس شورای اسلامی تقدیم شود. علاوه بر این، به‌منظور تأمین انتظارات و مطالباتی که از سوی مردم به نمایندگان مجلس منعکس می‌شود، سازمان باید راهکارهای اصلاحی مناسب و مؤثری پیشنهاد کند تا کاستی‌های موجود در پوشش جمعیتی و ایفای تعهدات سازمان در قبال مردم برطرف گردد و فشارهای اجتماعی و هزینه‌های ناشی از آن به سازمان تحمیل نشود. هدف نهایی سازمان تأمین اجتماعی، تأمین حقوق قانونی جامعه تحت پوشش، رفع دغدغه‌ها و نگرانی‌ها و تأمین رضایت آنان در چهارچوب قانون است و این هدف بزرگ که همسو با اهداف متعالی نظام جمهوری اسلامی ایران نیز هست، نمی‌تواند بدون کمک و همکاری مؤثر شرکای اجتماعی سازمان تحقق یابد.

۲-۲. ادبیات و مفاهیم تحقیق

۲-۲-۱. فرآیند تدوین و تصویب برنامه پنج‌ساله

در نظام قانونگذاری ایران سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه از جانب مقام معظم رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تهیه و به دولت به‌عنوان مجری قانون برنامه توسعه ابلاغ می‌گردد. از دیگر سو وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی نیز نیازها، پیشنهادهای و برنامه‌های خود را برای یک برهه پنج‌ساله تدوین نموده و در راستای تلفیق به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی ارسال می‌نمایند. نهاد فوق‌الذکر نیز پس از تلفیق، آن را برای تصویب نهایی در اختیار مجلس شورای اسلامی قرار می‌دهد. مضاف بر اینکه در مجلس شورای اسلامی نیز بخش‌های مختلف برنامه ابتدا در کمیسیون‌های تخصصی و سپس در کمیسیون تلفیق مورد بررسی و امعان نظر قرار می‌گیرد.

در تاریخ ۲۱ شهریور سال ۱۴۰۱ مقام معظم رهبری در اجرای بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی، سیاست‌های کلی برنامه هفتم را به سران سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت و رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ابلاغ کردند. دو بند پایانی برنامه توسعه مربوط به ایجاد تحول در نظام مالیاتی در جهت تبدیل آن به منبع اصلی بودجه و در نهایت استقرار نظام جامع تأمین اجتماعی به‌منظور ارائه عادلانه خدمات است. به‌صورت کلی می‌توان گفت علاوه بر کاهش یافتن و شفاف‌تر شدن بندهای اقتصادی برنامه هفتم، اهداف اصلی آن به‌جز بند اول یا همان رشد اقتصادی به‌صورت کلی تغییر کرده است. مهار تورم، اصلاح ساختار بودجه، تحول در نظام مالیاتی و تأمین اجتماعی از موضوعاتی هستند که در برنامه ششم توسعه به‌صورت مستقیم به آن‌ها اشاره نشده بود. این پنج رکن اصلی اقتصاد می‌تواند برای برنامه‌ریزان راهبرد اصلی اقتصاد کشور را معین کند.

۲-۲-۲. ویژگی‌های مطلوب یک قانون برنامه پنج‌ساله

• الف. ماهیت دائمی نداشته باشد.

قانون برنامه توسعه، قانونی است که جهت نیل به اهداف مشخصی در بازه معین پنج سال به نگارش درمی‌آید. گنجانیدن احکام و قوانینی که ماهیت دائمی داشته باشد و برای برهه مشخص زمانی نیستند، در قانونی که ظرف زمانی پنج‌ساله دارد، افزون بر آنکه باعث فزونی مواد قانون برنامه و پراکندگی قوانین موضوعی خواهد شد، نیاز به تمدید مکرر در قوانین برنامه آتی خواهد داشت.

به اعتقاد برخی از کارشناسان افزایش سن و سابقه بازنشستگی که از اصلاحات پارامتریک هستند در قانون یک‌ساله بودجه و یا موقت برنامه توسعه جایگاهی ندارند و این شیوه تغییر معادلات اکچوئریک و بیمه‌ای صندوق‌ها در ارتباط با صندوق‌های زیرمجموعه دولت، از جمله صندوق نفت، کشوری و لشگری، شاید بتواند تا حدودی معنادار باشد اما در ارتباط با صندوقی مستقل مانند تأمین اجتماعی که تمام خروجی‌های ماهانه‌اش با استفاده از منابع ورودی خود صندوق یا همان حق بیمه‌های کارگران تأمین می‌شود و دولت به آن بدهکار هم هست، اصلاً پذیرفتنی نیست و گفتگوی اجتماعی، یکی از باید‌های ضروری هر نوع اصلاحاتی است؛ اصلاحات در حوزه کار و تأمین اجتماعی بدون سه‌جانبه‌گرایی اساساً از حیز انتفاع ساقط است.

در اجرای تصویب‌نامه شماره ۱۲۲۲۹۰/ت ۵۱۱۲۸ هـ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۰۵ هیئت‌وزیران موضوع آیین‌نامه اجرائی ماده ۵۹ قانون برنامه پنج‌ساله توسعه، آن دسته از کارکنان دستگاه‌های اجرائی که از تاریخ ۱۳۸۸/۰۱/۰۱ تا ۱۳۹۵/۱۲/۳۰ (تاریخ پایان اجرای قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه کشور) بازنشسته شده و بر اساس قانون مدیریت خدمات کشوری حق بیمه مربوطه از اضافه‌کار آنان کسر نشده است، می‌بایست بر اساس تصویب‌نامه فوق‌الاشاره از تأثیر حق بیمه‌های مکسوره بابت اضافه‌کار در طول خدمت بهره‌مند گردند. با عنایت به اینکه محدودیت زمانی مربوط به اجرای بخشنامه ۷۰ تا پایان سال ۱۳۹۵ (پایان مدت‌زمان تمدید اعتبار برنامه پنجم توسعه) تعریف‌شده بود به پایان سال ۱۳۹۷ (تا زمان حاکمیت قانون مدیریت خدمات کشوری) تغییر یافت و سپس با توجه به دائمی شدن قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۰۷/۰۸ مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۶ استمرار بخشنامه شماره ۷۰ امور مستمری‌ها به قوت خود باقی ماند. به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران پیگیری مستمر دولت در خصوص انجام بخشنامه ۷۰ حاکی از موقت نبودن این امر است درحالی‌که قانون برنامه توسعه از جمله قوانین موقت هست.

• ب. دارای زمان‌بندی معین، معیارهای اندازه‌گیری، شاخص‌های ارزیابی، جدول‌های کمی

احکام و موادی از قانون برنامه که دارای ماهیت برنامه‌ای هستند، باید دارای یک زمان‌بندی دقیق و

مشخص باشند تا امکان نظارت دقیق قانونگذار بر فرآیند اجرای قانون و نهادهای متولی اجرا فراهم گردد. با ایجاد زمان‌بندی در قانون و نیز تعیین شاخص می‌توان میزان نیل به اهداف را در زمان‌های مشخص به‌طور دقیق مشاهده نمود.

یکی دیگر از معیارهای یک قانون توسعه مطلوب، قابلیت ارزیابی آن است. عملکرد مجری قانون باید قابلیت سنجش داشته باشد تا قانونگذار بتواند بر عملکرد او نظارت نماید. تصویب احکام قانونی بدون قابلیت ارزیابی، در برخی از موارد با عدم تصویب آن مساوی است و کمکی به رسیدن اهداف نگارش قانون نمی‌نماید. در صورتی که یک قانون قابلیت ارزیابی داشته باشد، می‌توان با تعیین شاخصی مناسب، مسیر رسیدن به اهداف را رصد نمود. کمی نمودن اهداف، با از بین بردن تفسیرپذیری و کلی‌گویی، به مقام مجری توانایی برنامه‌ریزی جهت نیل به اهداف و به قانونگذار امکان بازخوردگیری از اقدامات انجام داده‌شده را خواهد داد. البته باید توجه داشت که در همه موارد، وجود قابلیت ارزیابی، به معنی لزوم تعیین شاخص نیست. برخی از اقدامات قابل ارزیابی هستند ولی به دلیل ماهیت رقومی (صفر و یکی) نیاز به شاخص ندارند (پرهیزگاری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹).

منطق برنامه‌ریزی حکم می‌کند جداول کمی، ترجمه مواد برنامه به اعداد و ارقام باشند تا از طرفی تکلیف مجریان شفاف شود و از طرف دیگر امکان ارزیابی و نظارت بر عملکرد ایشان نیز فراهم آید. با این‌وجود در حال حاضر مواد برنامه و جداول کمی هر یک به راه خود می‌روند و با طی فرآیندهای منفک از یکدیگر تهیه می‌شوند. شایان ذکر است که در برنامه چهارم توسعه، جداول کمی در انتهای برنامه ذکر شده بود، اما برنامه پنجم توسعه بنا به دلایل مبهم بدون جداول کمی، هم از طرف دولت ارائه شد و هم از طرف مجلس تصویب گردید.

همچنین در فرآیند تصویب و اعمال تغییرات در قانون برنامه توسعه که گاهی در بردارنده بار مالی برای دستگاه‌های اجرائی است، ضروری است تمهیدات لازم ضمن جداول کمی منظور شود.

• **پ. همسو با اسناد بالادستی (قانون اساسی، سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی نظام)**

پیوند میان اسناد بالادستی (قانون اساسی، سند چشم‌انداز بیست‌ساله، سیاست‌های کلی نظام) با برنامه‌های میان‌مدت پنج‌ساله باید مبرهن باشد تا یک چتر سیاستی بلندمدت بر برنامه‌های میان‌مدت حاکم باشد که نتیجتاً کشور با افراط و تفریط در برنامه‌ریزی مواجه نشود.

۱۰۹ نقش سیاست‌های کلی نظام، تعیین و ترسیم مسیر و اهداف بلندمدت کشور و ریل‌گذاری برای تمام قوا می‌باشد. قوه مقننه موظف است در صورت نیاز، در راستای مفاد و درون‌مایه سیاست کلی قوانین لازم را جهت تسهیل دستیابی به اهداف سیاست کلی وضع نماید و یا قوانین موجود را برای حصول به آن اهداف اصلاح کند. در حقیقت قوانین مصوب مجلس باید در پی عینی‌سازی و عملیاتی نمودن

سیاست‌های کلی نظام باشد نه اینکه مجدداً به شرح عباراتی در حد سیاست کلی بپردازد. یکی از مهم‌ترین چالش‌های سازمان تأمین اجتماعی در ایفای تعهدات بلندمدت نحوه استخراج عناوین شغلی از مستندات ارائه‌شده توسط بیمه‌شده و کارفرما هست. وفق بخشنامه ۴۹ مستمری‌ها تنها مستندات قابل بررسی جهت استخراج عناوین شغلی لیست‌های پرداخت حق بیمه، بازرسی‌ها و حسابرسی‌های ادواری انجام‌شده از محل کارگاه هست ولیکن در بسیاری از موارد مستندات مذکور فاقد عناوین شغلی بوده لذا واحدهای اجرائی وفق پرسش و پاسخ ۱۹ شماره ۱۱۱۳۰۳ مورخ ۱۳۸۶/۱۱/۲۶ به پرونده‌های پرسنلی بیمه‌شدگان مراجعه می‌نمایند که در این بین باتوجه به اینکه مدارک مذکور رأساً توسط کارفرما و بیمه‌شده تهیه و به واحدهای اجرائی ارائه می‌گردد لذا بررسی اصالت و صحت و سقم احکام کارگزینی و سایر مدارک و مستندات موجود در پرونده‌های پرسنلی مشکلات عدیده‌ای را برای واحدهای اجرائی به وجود آورده است. لذا به نظر می‌رسد پس از گذشت سالیان متمادی از اجرای قانون بدین منوال ضروری است گام‌های اساسی جهت اصلاح قانون، آیین‌نامه اجرائی در این زمینه علی‌الخصوص توقف بهره‌برداری از پرونده پرسنلی به‌طور کامل و استناد به لیست، بازرسی و اسناد مالی برداشته شود. همچنین کمیته‌های استانی بررسی عناوین شغلی در ادارات کل تأمین اجتماعی تشکیل گردد. در خصوص جبران خسارات وارده وفق مفاد قانون طبق بند ۴ و ۶ قانون اصلاح تبصره ۲ الحاقی ماده ۷۶، کارفرمایان مکلف‌اند حق بیمه مربوطه و میزان مستمری برقراری را تا احراز شرایط مندرج در تبصره ۲ و همچنین ۴ درصد میزان مستمری برقراری نسبت به سنوات قبل از تصویب این قانون را یکجا به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت نمایند. که این موضوع (میزان مستمری برقراری تا احراز شرایط قانونی) در حال حاضر اجرا نمی‌گردد، بنابراین قانون برنامه توسعه باید بتواند برای مهم‌ترین چالش‌های سازمان تأمین اجتماعی راهکار اجرائی مناسبی ارائه نماید.

• ت. مشخص بودن متولی اجرا

قانون برنامه توسعه مطلوب باید به‌طور صریح، متولی و مسئول اجرای آن قانون را نیز مشخص و تعهد و التزام متناسب را برای پاسخگویی به قانون ایجاد نماید. بدین نحو مقتن می‌تواند بر اجرای قانون نظارت نموده و مطابق با وظایف مندرج در قانون، از مجری قانون پاسخگویی طلب نماید. در صورت عدم تعیین متولی اجرا یا تعیین چندین مسئول به موازات هم این امکان وجود خواهد داشت که دستگاه‌های مختلف، دیگری را موظف به اجرای آن حکم قانونی بدانند. به‌عنوان مثال در قانون برنامه پنجم توسعه قانونگذار اجرای ماده ۱۰ نوسازی صنایع را به دولت تکلیف نکرد به‌همین دلیل اجرای این ماده به تعویق افتاد.

• ث. دارای خواسته‌های روشن، اهداف معین و راهبردهای مشخص

منظور از کلی‌گویی، استفاده از عباراتی است که افاده معنای عام می‌کند و حکم قابل‌سنجش و صریحی

را بیان نمی‌کند. قانون برنامه توسعه باید به دنبال عملیاتی نمودن و عینی‌سازی سیاست‌های کلی نظام باشد و ضروری است از بیان مجدد عباراتی در حد سیاست کلی اجتناب گردد. عباراتی از قبیل «رفع مشکلات و موانع»، «اقدامات مؤثر»، «حسب ضرورت»، «حمایت‌های لازم» و... که به کرات در متن قانون برنامه توسعه مشاهده می‌شود، نمونه‌هایی از کلی‌گویی است. در صورت کلی‌گویی در قانون، قابلیت ارزیابی دقیق اجرای قانون سلب خواهد شد. در واقع مقنن با عدم تعیین جهت و تکلیف معین برای دستگاه اجرایی و کلی‌گویی، تکلیف قانونی مشخصی مقرر نکرده است.

در حال حاضر، ساختار بیمه‌ها، صندوق‌های تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی مستعد بحران هستند و در نظام بانکی نیز با مشکلات جدی مواجه هستیم که برنامه هفتم توسعه باید بتواند بگوید که در چند سال آینده به وضعیت چند بانک می‌خواهد ورود کند و آن‌ها را سر و سامان بدهد.

• ح. متناسب با منابع در دسترس

در برنامه هفتم توسعه، ضروری است اصلاحات نهادی با توجه به تجربه کشورهای مختلف و متناسب با امکانات و منابع صورت گیرد و نباید در آن اهدافی تعیین شود که امکان‌پذیر نمی‌باشد.

• چ. قابل اجرا در ظرف زمانی برنامه

ملاحظات ناشی از تغییر دولت یا مجلس و نیز قابلیت پیگیری و اجرا نداشتن بسیاری از سیاست‌های کلی برنامه توسعه از منظر صر قالب مواد و احکام در کشور سبب محدودیت‌ها و ملاحظات زمانی در قوانین برنامه توسعه شده است. به بیان دیگر بعضی از سیاست‌های کلی برنامه در ظرف زمانی قانون برنامه پنج‌ساله قابلیت اجرا و تحقق ندارند.

یکی از دلایل تسریع در تدوین برنامه‌های توسعه، ملاحظات ناشی از تغییر مجلس یا دولت است که دولت و مجلس تمایل دارند در مدت تصدی، برنامه میان‌مدتی را بر مبنای منویات و نظرات خود تدوین و به مرحله اجرا درآورند که تدوین برنامه چهارم توسعه در مجلس ششم و نهایی کردن آن توسط مجلس هفتم از مثال‌های بارز این امر هست.

• چ. امکان ایجاد ارتباط ساختاری با بودجه‌های سالانه

میان بودجه‌های سالیانه و برنامه‌های توسعه کشور هماهنگی وجود ندارد، اهداف، راهبردها و سیاست‌های برنامه‌ها تحت‌الشعاع تخصیص منابع و تصمیمات موقت و بودجه‌ای قرار گرفته و ادبیات، ابزارها و شیوه‌های بودجه‌ریزی بر نظام برنامه‌ریزی حاکم و مسلط شده است. همچنین به دلیل حاکم بودن نگاه بودجه‌ای به برنامه، اجرای برنامه در دستگاه‌ها، عمدتاً به صرف هزینه تعبیر می‌شود و از همین رو در گزارش عملکرد برنامه‌ها نیز بدون اشاره به میزان دستیابی به اهداف، از اختصاص پول (اعتبارات هزینه‌شده) گزارش داده می‌شود. لازم به ذکر است که به دلیل سایه انداختن بودجه بر برنامه و

تابعیت برنامه از بودجه در عمل، جایگاه برنامه توسعه در کشور به تعدادی طرح عمرانی تقلیل یافته است(صمدیان و سلطانی نژاد، ۱۳۹۹: ۱۱).

• خ. به کارگیری از واژگان روشن، صریح و بدون ابهام

قانون باید چنان واضح و روشن باشد که مجریان و تابعان، منظور آن را به خوبی دریابند و با به کار بستن آن در راستای هدف قانون، امور جامعه سیاسی مطابق نظام معین اداره شود. یک قانون متناقض، مبهم یا مغلق، موجب سردرگمی مجریان و تابعانی خواهد بود که می‌خواهند (و باید) قانون را به اجرا درآورند یا از آن پیروی کنند (راسخ، ۱۳۸۴: ۳۳).

• د. تعیین سازوکارهای نظارتی

نقش و اهمیت نظارت و ارزیابی یک برنامه توسعه در تحقق اهداف آن برنامه به اندازه تدوین و اجرای آن دارای اهمیت است. در غیاب ارزیابی و نظارت دقیق و نظام‌مند اولاً میزان دستیابی به اهداف برنامه نامشخص بوده و دولت می‌تواند بدون توجه به اهداف بلندمدت برنامه‌های توسعه، اهداف و منافع کوتاه‌مدت را دنبال کند. ثانیاً در صورتی که میزان تحقق اهداف برنامه مشخص نباشد مسیر و اهداف برنامه‌های آتی به خوبی طراحی نخواهد شد، زیرا شناخت وضعیت موجود و جایگاه کنونی کشور (باتوجه به فاصله آن با هدف)، مستلزم ارزیابی دقیق و علمی برنامه‌های قبلی است. به‌عنوان مثال ساز و کار نظارتی تعبیه‌شده در مواد (۱۵۷) و (۱۵۸) قانون برنامه چهارم توسعه به خوبی عمل نکرده است. عوامل متعددی از جمله چهارچوب ارائه گزارش‌های نظارتی و ضعف‌های قانون برنامه چهارم توسعه به لحاظ قابلیت اجرایی در این عدم موفقیت دخیل بوده است. به‌عنوان نمونه سازمان تأمین اجتماعی در موارد عدیده‌ای گزارش عدم تأمین بار مالی احکام مرتبط با قوانین برنامه توسعه با این صندوق بیمه‌ای را به دستگاه‌های مسئول ارائه کرده است اما تمهیدات مربوطه در زمان مقتضی و یا از اساس اجرا نشده است.

• د. تعیین ضمانت اجرا مؤثر

قانون برنامه توسعه در کشور همواره متضمن اهداف و سیاست‌های متعدد و غیر منعطف برای تعداد بسیاری از بخش‌ها و زیر بخش‌ها بوده که این رویه، تقلیل ضمانت اجرایی برنامه‌ها را در پی داشته است. از جمله آن که در سند برنامه ششم توسعه برای یک دوره پنج‌ساله، بی‌شمار هدف کلی، راهبرد و سیاست مطرح گردید. این در حالی است که بر اساس ادبیات برنامه‌ریزی، در نظر گرفتن بیش از چند هدف محدود در سند برنامه، بیانگر غالب بودن وجه احتمالی اهداف است، درحالی که ضمانتی برای محقق شدن اهداف پیش‌بینی شده وجود ندارد.

• ر. تأمین بار مالی مصوبات

ایجاد هرگونه بار مالی ناشی از مصوبات مستلزم پیش‌بینی محل تأمین بار مالی ناشی از آن برای سازمان تأمین اجتماعی کشور، مطابق اصل ۷۵ قانون اساسی و ماده ۷۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور هست. بر اساس ماده ۸۷ قانون برنامه ششم توسعه کشور دولت موظف است اقدامات لازم برای اجرای صحیح و به‌موقع قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران را به‌عمل آورد و اعتبار کافی را در بودجه سنواتی پیش‌بینی نماید و کلیه آیین‌نامه‌های اجرائی آن را حداکثر تا شش‌ماهه سال اول اجرای قانون برنامه تصویب و ابلاغ نماید که این مهم تاکنون صورت‌نپذیرفته است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

مناسب‌ترین روش در مطالعات حقوقی با توجه به ویژگی خاص آن، به‌ویژه در خصوص مطالعات تئوری و انتقادی روش تحلیلی- توصیفی است که در این پژوهش نیز از همین روش استفاده شده است. همچنین روش گردآوری داده‌ها به‌صورت کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع مختلف از جمله آراء دیوان عدالت اداری، قوانین و مقررات تأمین اجتماعی، بخشنامه‌های سازمان تأمین اجتماعی، قوانین برنامه توسعه کشور، کتب و مقالات حقوقی است (انصاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۲).

۴. پیشینه پژوهش

با وجود محدود بودن مطالعات مربوط به بررسی قوانین برنامه توسعه کشور می‌توان به پژوهش «مروری بر برنامه‌های توسعه کشور با تأکید بر برنامه ششم و مقایسه آن‌ها با معیار برخی شاخص‌های مرتبط با اقتصاد اسلامی» به قلم سید محمدحسن مصطفوی اشاره نمود. محقق در مقاله مذکور پنج برنامه توسعه کشور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که اجرای آن‌ها تصویب شده را به‌صورت اجمالی مرور و با قانون برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی با معیار ارزش‌های محوری و روح حاکم بر آموزه‌های اقتصادی اسلام به‌صورت تحلیل محتوا مقایسه کرده است. اشتریان و همکاران در مقاله «بررسی تأثیر عوامل سیاسی بر اجرای برنامه پنجم توسعه، مطالعه موردی در حوزه سلامت» نشان می‌دهند که عوامل مؤثر بر اجرای برنامه توسعه در بعد سیاسی و فنی است که با ارائه رویکرد ترکیبی مدل بالا به پایین و مدل پایین به بالا، اهمیت نقش این عوامل سیاسی را در اجرای برنامه پنجم توسعه در ایران توضیح می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که متغیر سیاسی به‌طور معنادار تأثیر مستقیم بر متغیر اجرای سیاست دارد، و در صورت تقویت عامل فنی تأثیر مثبتی بر عامل سیاسی دارد و آن را افزایش می‌دهد. لیکن رهیافت مقاله حاضر بررسی و تحلیل برخی از مواد قانونی برنامه توسعه کشور پیرامون قوانین و مقررات تأمین اجتماعی هست.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. ارزیابی برخی از مواد مرتبط با سازمان تأمین اجتماعی در قانون برنامه توسعه

۵-۱-۱. ماده ۸۹ قانون تأمین اجتماعی:

یکی از موانع اجرای قوانین در ایران عدم تناسب قانون با اقتضائات اجرایی است. اگر محتوای قوانین با تمهیدات و امکانات مجریان (اقتضائات اجرایی) مطابقت نداشته باشد، در مقام عمل مجری قانون نمی‌تواند مفاد آن را اجرا کند (جلالی و تنگستانی، ۱۳۹۳: ۷۱)، ابریشمی راد و اسدی اوجاقی، ۱۴۰۱: ۱۲۵). همچنین، این ضرورت از سوی بعضی از حقوقدانان تأکید شده است که تمرکز قانونگذار به اقتضائات اجرایی یک مصوبه با ارزیابی آن هنگام تصویب و نیز توجه مقنن به ظرفیت‌های دولت برای اجرای آن همواره به‌عنوان دو پیش‌نیاز اصلی باید مورد توجه قرار گیرند (مرکز مالمیری، ۱۳۹۸: ۲۱۰). محتوای برخی از اصول قانون اساسی به این معنا است که تدوین‌کنندگان قانون اساسی به ضرورت تصویب قوانینی متناسب با اقتضائات اجرایی توجه داشته‌اند و از راه‌های گوناگون در تلاش بوده‌اند این هدف را محقق نمایند. باین وجود، بعضی فرایندها و رویه‌های موجود نادیده گرفته شدن این غرض را مهیا کرده و به تصویب قوانین و مقرراتی منجر شده که با اقتضائات اجرایی مطابقت نداشته‌اند و به همین علت معطل مانده‌اند. این تحقق‌ناپذیری و قابل اجرا نبودن قوانین و مقررات سبب شده است که به نظر بعضی حقوقدانان، نامنی قضایی در جامعه ایجاد شود (گرچی، ۱۳۹۶: ۵). مع‌الوصف در مواردی مقنن در مصوبه قانونی اقتضائات قانونی برای اجرای مقررات اصولی و صحیح وضع شده برای جامعه هدف را فراهم نکرده است. بر اساس ماده ۸۹ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴/۰۴/۰۳ افرادی که به‌موجب قوانین سابق بیمه‌های اجتماعی یا به‌موجب این قانون بازنشسته و یا از کارافتاده شده یا می‌شوند و افراد بلافصل خانواده آن‌ها همچنین افرادی که مستمری بازماندگان دریافت می‌دارند با پرداخت دو درصد از مستمری دریافتی از خدمات درمانی مذکور در بندهای «الف» و «ب» ماده ۳ این قانون توسط سازمان تأمین خدمات درمانی برخوردار خواهند شد. مابه‌التفاوت وجوه پرداختی توسط بیمه‌شدگان موضوع این ماده تا مبالغی که طبق ضوابط قانون تأمین درمان مستخدمین دولت باید پرداخت شود از طرف سازمان، تأمین خواهد شد. ماده ۸۹ قانون تأمین اجتماعی در مقام بیان نحوه دریافت هزینه درمان از مستمری‌بگیران هست و با توجه به اینکه وضعیت شخص از بیمه‌پردازی خارج شده و در وضعیت دریافت مستمری قرار دارد از این‌رو دریافت حق بیمه بابت خدمات درمانی عملاً امکان‌پذیر نبوده و به همین علت قانونگذار با حفظ رویه ماده ۲۹ قانون، کسر دو درصد از مستمری را جهت استفاده از خدمات درمانی پیش‌بینی نموده است که بدون توجه به تعداد افراد بهره‌مند از این مزایا، این دو درصد دریافت می‌شود. حق انتخاب استفاده از خدمات درمانی، صرفاً در خصوص مستمری‌بگیران مشمول

کسر سرانه درمان متصور هست. (بندهای ۲۰ الی ۳۳ بخشنامه شماره ۱۷ امور فنی بیمه‌شدگان). وفق قانون اصلاح بند «ب» ماده ۴۴ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران «صد درصد هزینه‌های درمانی ایثارگران شاغل و بازنشسته و افراد تحت تکفل آنان به عهده بنیاد شهید و امور ایثارگران است» هرچند در تبصره همین بند نیز دولت موظف به پیش‌بینی اعتبار لازم برای این قانون در بودجه سنواتی هرساله گردیده است. علی‌ای‌حال باتوجه به مفاد قانونی موصوف، در این خصوص تکلیف قانونی به عهده این سازمان واگذار نگردیده است. باتوجه به اصلاح ماده ۲۳۵ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۹۴/۱۲/۱۸ مجلس شورای اسلامی که در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۴ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۹۱۷۴۷/۶۷۵ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۶ به دولت ابلاغ و در تاریخ ۱۳۹۵/۰۱/۱۰ ثبت روزنامه رسمی شد اعلام گردید: نظر به اینکه در اجرای اصل ۱۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ماده ۲۳۵ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه اصلاح و مقرر گردیده «قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ حداکثر تا پایان سال ۱۳۹۵ هجری شمسی تمدید و با تصویب برنامه ششم توسعه و ابلاغ آن ملغی‌الاثرب می‌شود»؛ لذا سازمان تأمین اجتماعی طی دستوری به واحدهای اجرایی عملیاتی نمودن دستورالعمل‌های صادره مرتبط با مواد برنامه پنجم توسعه تا تصویب برنامه ششم را حداکثر تا پایان سال ۱۳۹۵ تمدید و در خصوص رفع ابهام واحدهای اجرایی مبنی بر کسر یا عدم کسر ۲ درصد ماده ۸۹ قانون در طول برنامه ششم توسعه اعلام می‌نماید نظر به اینکه دادنامه‌های صادره در خصوص عدم کسر ۲ درصد بر اساس بند (ب) ماده ۴۴ قانون برنامه پنجم توسعه کشور صرفاً ناظر به دوره اجرای برنامه مذکور هست لذا از تاریخ ۱۳۹۶/۰۱/۰۱ اجرای ماده ۸۹ قانون تأمین اجتماعی در خصوص نامبردگان وفق مقررات صورت پذیرد. مضافاً بر اینکه در خصوص دادنامه‌هایی که ناظر به دوره پنجم برنامه توسعه صادر گردیده است سازمان تأمین اجتماعی علی‌رغم چالش‌هایی نظیر فراهم نشدن بار مالی، در راستای اجرای آراء دیوان عدالت اداری و دادنامه‌های مربوطه نظر خویش را مبنی بر پرداخت ۲ درصد کسر شده از مستمری وفق ماده ۸۹ قانون تأمین اجتماعی در طول برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۹۰ لغایت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰ طی یک سند پرداختی به‌عنوان «استرداد ۲ درصد سهم درمان وفق ماده ۸۹ قانون مربوط به مستمری‌های پرداختی در طول برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران» به شعب اجرایی اعلام و از شرکت مشاور مدیریت و خدمات ماشینی تأمین درخواست کرد نسبت به امکان ایجاد بدهی در بخش دیون دولت به دلیل عدم کسر دو درصد ماده ۸۹ قانون تأمین اجتماعی از مستمری مشارالیه، مربوط به برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران در سیستم مکانیزه اقدام گردد. تبصره ماده واحده قانون اصلاح بند «ب» ماده ۴۴ قانون برنامه پنجم توسعه مقرر می‌دارد: «دولت موظف است اعتبار لازم برای اجرای این قانون را هرساله در بودجه سنواتی پیش‌بینی نماید و در اختیار دستگاه‌ها و صندوق‌های بازنشستگی و بنیاد شهید و امور ایثارگران قرار دهد» همچنین بند ۳ ماده ۲۶ قانون فوق

به صراحت مقرر می‌دارد: «ایجاد هرگونه تعهد بیمه‌ای و بار مالی خارج از ارقام مقرر در جداول قوانین بودجه سنواتی برای صندوق‌ها ممنوع است و تعهدات تکلیف‌شده فقط در حدود ارقام مذکور قابل اجرا است» همچنین وفق ماده ۲۲۵ قانون فوق‌الذکر نیز دولت موظف است بار مالی کلیه قوانین و مقررات از جمله احکام قانون برنامه پنجم توسعه که مستلزم استفاده از منابع عمومی است را در لوایح بودجه سنواتی در حدود درآمدهای وصولی پیش‌بینی و اجرا نماید. ضمناً وفق بند «ث» ماده ۷ قانون برنامه ششم توسعه نیز کلیه تصویب‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها، تغییرات تشکیلات، تغییر ضرایب، جداول حقوقی و طبقه‌بندی مشاغل و افزایش مبنای حقوقی، اعطای مجوز هر نوع استخدام و به‌کارگیری نیرو و همچنین مصوبات هیئت‌های امنا که متضمن بار مالی باشد، در صورتی قابل طرح و تصویب و اجرا است که بار مالی ناشی از آن قبلاً محاسبه و در قانون بودجه کل کشور تأمین شده باشد و اقدام دستگاه اجرایی برخلاف این حکم، تعهد زائد بر اعتبار محسوب می‌شود. علاوه بر مواد وضع شده در قوانین برنامه پنجم و ششم توسعه اقتصادی در خصوص تکلیف دولت در تأمین اعتبار مالی ناشی از پرداخت هزینه‌های درمانی مشمولین شایان ذکر است که بر اساس بند ج ماده ۷ قانون ساختار نظام جامع رفاه و ماده ۷۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور و ماده ۸۷ قانون برنامه ششم توسعه، همچنین دادنامه شماره ۵۱۹ مورخ ۱۳۹۵/۰۸/۱۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری عمل به مقررات (از جمله هزینه‌های درمانی ایثارگران) و اجرای قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران که متضمن ایجاد بار مالی برای سازمان هست، منوط به پرداخت بودجه مربوطه هست و تا زمانی که بودجه موردنظر پرداخت نگردد حکم به اجرای چنین مقرراتی برخلاف قوانین مذکور است. مضافاً این که معاونت حقوقی ریاست جمهوری طی نامه‌های شماره ۲۰۷۳۵/۱۳۸۷۴۷ مورخ ۱۳۹۲/۰۸/۱۹ و ۲۱۱۴۶/۱۵۳۸۸۱ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۰۴ اجرای قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران را منوط به تأمین بار مالی از سوی دولت دانسته است. علی‌هذا هر چند دادنامه شماره ۵۱۹ مورخ ۱۳۹۵/۰۸/۱۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با استناد به بند «ج» ماده ۳۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، تأمین ۱۰۰ درصد هزینه بیمه همگانی و مکمل جانبازان و درمان خاص آن‌ها را بر عهده دولت اعلام نموده و بدین جهت استناد شعب رسیدگی‌کننده دیوان عدالت اداری به رأی هیئت عمومی یادشده طی دادنامه‌های اصداری در خصوص جانبازانی که در دوره حاکمیت اجرای قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی (سال ۱۳۸۹ لغایت ۱۳۹۵) بازنشسته گردیده‌اند صحیح نمی‌باشد، لیکن با توجه به خواسته افراد مذکور و همچنین دیگر استناد مرقوم در دادنامه‌های مزبور به بند «ب» ماده ۱۳ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران که در این خصوص مقرر می‌دارد: «تا پایان قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران صد درصد هزینه‌های درمانی ایثارگران شاغل و بازنشسته و افراد تحت تکفل آنان به عهده دستگاه اجرایی و صد درصد هزینه‌های درمانی ایثارگران غیرشاغل و افراد تحت تکفل آنان به عهده بنیاد شهید و امور ایثارگران است» مقرر شد که بر اساس ماده اخیرالذکر از تاریخ بازنشستگی مشارالیهم لغایت پایان دوره

زمانی اجرای قانون برنامه پنجم توسعه و حسب دستورات اداری ۱۰۰۰/۹۴/۶۲۴۵ مورخ ۱۳۹۴/۰۶/۱۱ مدیرعامل سازمان و شماره ۷۱۰۰/۹۶/۲۲۱۸ مورخ ۱۳۹۶/۰۴/۲۶ این دفتر مبنی بر لزوم اجرای آراء قطعی صادره از مراجع قضایی، نسبت به اجرای دادنامه‌های قطعی افراد مزبور اقدام لازم معمول و هزینه‌های ناشی از اجرای آن به‌عنوان بدهی دولت منظور گردد. اگرچه بر اساس نص صریح ماده ۲ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران (که در مقام احصاء دستگاه‌های مشمول قانون فوق هست) سازمان تأمین اجتماعی مشمول احکام و مقررات قانون یادشده قرار گرفته لکن با عنایت به نظریه معاونت محترم حقوقی ریاست جمهوری همچنین مطالب فوق‌الذکر و بالاخص ماده ۸۷ قانون برنامه ششم توسعه که اجرای قانون خدمات‌رسانی به ایثارگران را منوط به تأمین بار مالی و تدوین آیین‌نامه آن از سوی دولت نموده است لذا تا زمانی که بار مالی ناشی از اجرای قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران از سوی دولت تأمین نگردیده امکان اجرای بند «ب» ماده ۱۳ قانون یادشده توسط سازمان وجود نداشته است. علی‌هذا در مواردی که به‌موجب آراء صادره از دیوان عدالت اداری سازمان ملزم به اجرای ماده مزبور می‌گردید در راستای اجرای رأی قطعی صادره از مراجع قضایی، بار مالی ناشی از اجرای بند «ب» ماده ۱۳ قانون فوق‌الذکر در زمره بدهی دولت به سازمان منظور می‌شد. بعد از اتمام حاکمیت قانون برنامه پنجم توسعه در دادنامه‌هایی علاوه بر بند «ب» ماده ۴۴ قانون برنامه پنجم توسعه و بند ج ماده ۳۷ قانون سوم توسعه و ماده ۹۹ قانون برنامه چهارم توسعه به ماده ۱۳ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران استناد می‌گردید فلذا سازمان جهت رفع ابهام شعبات اجرایی و مشکلات مکانیزه آن اعلام نمود در راستای اجرای دستور اداری شماره ۱۰۰۰/۹۴/۶۲۴۵ مورخ ۱۳۹۴/۰۶/۱۱ مدیرعامل سازمان، با ملحوظ نظر داشتن مفاد نامه اخیرالذکر و همچنین با توجه به تاریخ بازنشستگی نامبردگان (۱۳۹۳/۱۱/۱۵ و ۱۳۹۳/۱۲/۰۱)، نسبت به پرداخت ۲ درصد کسر شده از مستمری ذی‌نفعان وفق ماده ۸۹ قانون تأمین اجتماعی در طول برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران از تاریخ برقراری لغایت ۱۳۹۵/۱۲/۳۰ طی یک سند پرداختی به‌عنوان «استرداد ۲ درصد سهم درمان وفق ماده ۸۹ قانون مربوط به مستمری‌های پرداختی در طول برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران» اقدام لازم مبذول گردد. در اجرای اصل ۱۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «قانون اصلاح ماده ۱۳ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران» که در جلسه علنی مورخ نوزدهم دی‌ماه ۱۳۹۷ مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۹۷/۱۰/۲۲ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۵۲۹/۹۲۲۰۴ مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۲۴ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده بود در تاریخ ۱۳۹۷/۱۰/۲۶ از سوی رئیس‌جمهور به بنیاد شهید و امور ایثارگران ابلاغ گردید. مطابق نامه مذکور به بنیاد شهید و امور ایثارگران اعلام‌شده که نسبت به اجرای قانون اصلاح ماده ۱۳ جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران اقدام نمایند و به‌موجب اصلاحیه قانون، خدمات بهداشتی و بیمه درمانی مکمل آزادگان، جانبازان، ایثارگران شاغل و غیر شاغل، بازنشسته و افراد تحت تکفل آن‌ها و والدین، همسران و فرزندان شهدا بر عهده بنیاد

شهید و امور ایثارگران قرار گرفت، مضاف بر آنکه تعهدات دستگاه‌های اجرایی و بیمه‌های ذی‌ربط در این خصوص از تاریخ ۱۳۹۷/۰۸/۰۱ تا زمان تصویب قانون و تا پایان سال ۱۳۹۷ به بنیاد شهید و امور ایثارگران منتقل گردید. بنابراین بنابر دستورالعملی اعلام گردید با عنایت به اینکه به‌صراحت ماده ۸۹ قانون تأمین اجتماعی، مستمری‌بگیران با پرداخت دو درصد از مستمری دریافتی می‌توانند از خدمات درمانی مذکور در بندهای الف و ب ماده ۳ قانون تأمین اجتماعی برخوردار شوند، لذا تا هنگامی که حق بیمه مزبور پرداخت نشده، سازمان تکلیفی در این مورد نداشته است؛ بدین ترتیب با استناد به ماده قانونی فوق همچنین نامه ریاست جمهوری و قانون اصلاحیه فوق‌الذکر، دال بر تکلیف بنیاد شهید و امور ایثارگران دادخواست‌های ارائه‌شده به دیوان از لحاظ حقوقی قابل‌رسیدگی به‌جهت ایراد شکلی عدم توجه دعوی و در نتیجه تقاضای رد دعوی و دادخواست شدند. بر همین اساس در سال ۱۳۹۸ اداره کل حقوقی و دعاوی طی ارائه‌طریقی در خصوص مواردی که قبلاً رأیی از شعب دیوان عدالت اداری در این خصوص علیه سازمان اصدار یافته، مطابق با قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری تقاضای اعمال طرق فوق‌العاده را مطرح نمود.

۵-۱-۲. نحوه اجرای آرای قطعی با موضوع عدم کسر ۲ درصد حق بیمه درمان در سال ۱۳۹۸

در خصوص نحوه اجرای دادنامه‌های قطعی مبنی بر عدم کسر دو درصد درمان جانبازان چنانچه مستند دادنامه قطعی صادره از شعب دیوان عدالت اداری قوانین برنامه سوم الی پنجم توسعه بوده باشد نسبت به اجرای دادنامه لغایت پایان برنامه پنجم اقدام و در صورت صدور اخطار اجرا مبنی بر عدم کسر دو درصد درمان از ابتدای برنامه ششم نسبت به اعمال ماده ۷۹ قانون دیوان اقدام می‌گردید. در فرضی که در دادنامه صادره علاوه بر مستندات مذکور و یا به ماده ۱۳ قانون خدمات‌رسانی به ایثارگران استناد شده باشد و یا فارغ از استنادات مذکور به‌صراحت عدم کسر دو درصد مذکور در برنامه ششم توسعه مورد رأی قرار گرفته باشد با عنایت به اینکه در موارد مشابه عدیده دفاعیات سازمان مبنی بر اینکه عدم کسر ۲ درصد درمان در برنامه ششم توسعه پیش‌بینی نشده و همچنین بار مالی ناشی از اجرای آن در برنامه ششم تأمین نگردیده مورد موافقت قضات شعب اجرای احکام قرار نگرفته است لذا مستند به دستور اداری شماره ۱۰۰۰/۹۴/۶۲۴۵ مورخ ۱۳۹۴/۰۶/۱۱ مدیرعامل محترم سازمان نسبت به اجرای دادنامه صادره مبنی بر عدم کسر دو درصد درمان موضوع ماده ۸۹ قانون تأمین اجتماعی و استرداد مبالغ کسر شده از ابتدای برنامه ششم اقدام و بار مالی ناشی از آن به‌عنوان دیون دولت به سازمان منظور می‌گردید. در مواردی که قضات در دادنامه اصداری منحصراً به ماده ۱۳ قانون جامع ایثارگران استناد نموده باشند (بدون استناد به قوانین برنامه‌های سوم لغایت پنجم توسعه) و از طرفی تاریخ بازنشستگی شاکی بعد از تصویب قانون جامع ایثارگران باشد، با عنایت به اینکه قانون جامع ایثارگران مصوب ۱۳۹۱/۱۰/۰۲ هست نسبت به اجرای دادنامه قطعی از تاریخ بازنشستگی اقدام می‌گردید. چنانچه تاریخ بازنشستگی

قبل از تاریخ تصویب قانون جامع ایثارگران باشد نسبت به اجرای دادنامه قطعی از تاریخ تصویب قانون جامع ایثارگران (۱۳۹۱/۱۰/۰۲) اقدام و مراتب کتباً و شفاهاً به قاضی اجرای احکام منعکس می‌گردید و در صورت عدم پذیرش اقدامات سازمان و تأکید بر اجرا از تاریخ بازنشستگی به منظور پیشگیری از اعمال ضمانت اجرای ناشی از عدم اجرای آرای قطعی صادره نسبت به اجرا از تاریخ بازنشستگی اقدام می‌گردید. در مواردی که قضات در دادنامه صادره منحصرأً به دادنامه ۵۱۹ مورخ ۱۳۹۵/۰۸/۱۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری استناد می‌نمودند با عنایت به اینکه دادنامه مذکور در راستای بند ج ماده ۳۷ قانون برنامه سوم توسعه اصدار یافته نسبت به اجرای دادنامه در طول برنامه سوم توسعه اقدام می‌گردید و مراتب اجرا کتباً و شفاهاً به قاضی محترم اجرای احکام منعکس می‌گردید. در صورت عدم پذیرش اقدامات سازمان و تأکید و اصرار بر تداوم اجرای آن پس از برنامه سوم طبق نظر قاضی اجرای احکام اقدام می‌گردید. بنابراین ضمن دستورالعملی با تأکید بر توجه به تاریخ بازنشستگی افراد مورد نظر جهت لحاظ هزینه‌های ناشی از اجرای آرای مذکور، اعلام گردید مراتب به واحدهای مالی و وصول حق بیمه و شرکت مشاور مدیریت و خدمات ماشینی تأمین جهت ایجاد بدهی مذکور (ایجاد بدهی حسب مورد و باتوجه به مفاد رأی دیوان عدالت اداری برای برنامه‌های سوم، چهارم، پنجم و ششم توسعه کشور به حساب دیون دولت به غیر از بازه زمانی ۱۳۹۷/۰۸/۰۱ لغایت ۱۳۹۷/۱۲/۲۹ که مطابق مفاد قانون اصلاح ماده ۱۳ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران، باید بدهی مربوطه به حساب بنیاد شهید و امور ایثارگران گذاشته شود) اطلاع‌رسانی گردد. نهایتاً سازمان تأمین اجتماعی در راستای اجرای دادنامه‌های ۱۲۶۴ الی ۱۲۶۷ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۰۹ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری که مقرر می‌دارد «...دولت مکلف به پرداخت حق بیمه درمان ایثارگران به میزان دو درصد از دریافتی جانبازان به سازمان تأمین اجتماعی بوده و سازمان دارای صلاحیت کسر مبالغ مذکور نمی‌باشد...» و موافقت هیئت‌مدیره سازمان طی مصوبه شماره ۱۱۰۰/۱۴۰۰/۶۶۹ مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۰۶ به واحدهای اجرایی ابلاغ نمود که مجاز به کسر دو درصد هزینه درمان موضوع ماده ۸۹ قانون تأمین اجتماعی جهت مستمری‌بگیران جانباز از تاریخ دادنامه مذکور نمی‌باشند. بی‌توجهی مقنن به اقتضائات اجرایی می‌تواند به تحمیل تکالیف فراتر از وظایف مجری قوانین و همچنین، معطل ماندن قوانین و مقررات منجر شود که به دلیل اجتناب از وقوع چنین وضعیتی ضروری است در فرایند قانونگذاری با تأمین مشارکت حداکثری دولت و نیز رجحان و اولویت دادن به طرح موضوعات قانونگذاری از طریق لوایح دولت و نیز توجه حداکثری به نظرهای کارشناسی مراجع مرتبط با اجرای قانون مفاد لازم برای تصویب قوانین و مقررات قابل اجرا، متناسب با اقتضائات اجرایی کشور تأمین شود (ابریشمی راد و اسدی اوجاق، ۱۴۰۱: ۱۲۷).

۵-۲. معافیت از پرداخت حق بیمه

اجرای قوانینی که نیازمند پیش‌بینی بار مالی مربوطه در بودجه سنواتی از سوی دولت هست در سازمان تأمین اجتماعی تا پیش از تأمین بار مالی مربوطه از سوی دولت با مانع قانونی مواجه بوده و به‌علت قصور دولت و ماهیت صندوق در حکم ایفای ناروا است. لیکن ماده ۲۹ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه و نیز ماده ۷۱ قانون احکام دائمی اشعار می‌دارد، «کلیه تصویب‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها، دستورالعمل‌ها و همچنین تصمیمات و مصوبات هیئت‌های امناء و مقامات اجرائی و مراجع قوه مجریه به‌استثناء احکام محاکم قضائی که متضمن بار مالی برای صندوق‌های بازنشستگی یا دستگاه‌های اجرائی و دولت باشد در صورتی قابل اجرا است که بار مالی ناشی از آن قبلاً محاسبه و در قوانین بودجه کل کشور یا بودجه سالانه دستگاه یا صندوق ذی‌ربط تأمین اعتبار شده باشد...» ملاحظه می‌گردد اجرای احکام صادره از مراجع قضائی که دارای بار مالی بوده و نیازمند پیش‌بینی بار مالی متعلقه توسط دولت می‌باشند، به‌صورت کلی از شمول این ماده قانونی خارج می‌باشند. به‌عبارت دیگر اجرای آراء قطعی صادره از سوی محاکم دادگستری در هر حال الزامی است. لذا با این وصف صندوق‌های بازنشستگی از جمله سازمان تأمین اجتماعی مکلف به اجرای دادنامه‌های قطعی صادره از محاکم دادگستری هست حتی اگر دادنامه قطعی صادره در خصوص اجرای قوانین و مصوباتی صادر شده باشد که دارای بار مالی پیش‌بینی نشده از سوی دولت باشند. در مانحن فیه متقاضیان همکار رسمی سازمان و فرزند شاهد می‌باشند و به‌خواسته معافیت از پرداخت حق بیمه سهم کارمند و استرداد وجوه پرداختی در دیوان عدالت اداری طرح دعوی نموده‌اند که منتج به صدور دادنامه قطعی علیه سازمان گردیده است. با عنایت به مفاد دادنامه بدوی نظر به آنکه اساس خواسته شکات مربوط به بند (الف) ماده ۳۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب ۱۳۹۱/۱۰/۰۲ هست و قانون برنامه پنجم توسعه در این خصوص رأساً حکمی مقرر ننموده است، لذا اجرای مفاد دادنامه قطعی جهت جلوگیری از اعمال مواد ۱۱۰ و ۱۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری از تاریخ مذکور تکلیف قانونی است.

۵-۳. افزایش نامتعارف دستمزد

مطابق ماده ۳۱ قانون برنامه پنجم توسعه، «در صورتی که نرخ رشد حقوق و دستمزد اعلام‌شده بیمه‌شدگان در دو سال آخر خدمت آن‌ها بیش از نرخ رشد طبیعی حقوق و دستمزد بیمه‌شدگان باشد و با سال‌های قبل سازگار نباشد، مشروط بر آن که این افزایش دستمزد به دلیل ارتقاء شغلی نباشد صندوق بیمه‌ای مکلف است برقراری حقوق بازنشستگی بیمه‌شده را بر مبنای میانگین حقوق و دستمزد پنج سال آخر خدمت محاسبه و پرداخت نماید.» باتوجه به اصلاح ماده ۲۳۵ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۹۴/۱۲/۱۸ مجلس شورای اسلامی سازمان تأمین اجتماعی در دستورالعملی اعلام نمود «قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ حداکثر

تا پایان ۱۳۹۵ هجری شمسی تمدید و با تصویب برنامه ششم توسعه و ابلاغ آن ملغی‌الایر می‌شود» و واحد اجرائی مکلف گردیدند تا نسبت به عملیاتی نمودن دستورالعمل‌های صادره مرتبط با مواد برنامه پنجم توسعه همچنان تا تصویب برنامه ششم توسعه و حداکثر تا پایان سال ۱۳۹۵ اقدام نمایند. این مقرر در قانون برنامه ششم توسعه، حذف گردید و قانونگذار در ماده ۸۲ این قانون به صراحت اعلام نموده است «برقراری مستمری بازنشستگان برای کلیه بیمه‌شدگان صندوق‌های بازنشستگی (اعم از کشوری، لشکری، تأمین اجتماعی و سایر صندوق‌های بازنشستگی دستگاه‌ها، نهادها و بانک‌ها) بر مبنای میانگین دو سال آخر دریافتی که دارای کسور بازنشستگی هست» بنابراین با تصویب ماده ۸۲ قانون برنامه ششم توسعه، در فرضی که افزایش نامتعارف حقوق به صورت واقعی صورت پذیرفته و در اعلام دستمزد، کارفرما مرتکب تخلف یا تقلبی نشده باشد، سازمان مکلف است حقوق بازنشستگی وی را بر اساس میانگین دو سال آخر محاسبه نماید. اما اگر اساساً حقوق مندرج در لیست‌ها به بیمه‌شده پرداخت نشده و اعلام آن به صورت صوری انجام شده باشد، در چنین فرضی سازمان می‌تواند با توجه به اینکه کارفرما برخلاف واقع، حقوق و مزایای غیرواقعی برای بیمه‌شده ارسال نموده، نسبت به وی به اتهام گزارش خلاف واقع، شکایت کیفری انجام دهد. بنابراین از آنجاکه ممنوعیتی در مقررات جهت پرداخت میزان حقوق و مزایا از سوی کارفرما به پرسنل وجود ندارد و این موضوع به دلیل واقعی بودن پرداخت حقوق و مزایا از شمول بررسی مواد ۳۹ و ۱۰۱ قانون تأمین اجتماعی خروج موضوعی دارد، در نتیجه با توجه به مراتب فوق، در صورتی که واقعاً چنین حقوقی (هر چند به صورت غیرمتعارف) به بیمه‌شده پرداخت شده باشد، سازمان مکلف است در راستای ماده ۸۲ قانون برنامه ششم توسعه، نسبت به برقراری مستمری بازنشستگی بر اساس دو سال آخر حقوق وی اقدام نماید و مضافاً آنکه امکان طرح شکایت کیفری در این خصوص نیز متصور نمی‌باشد. در غیر این صورت چنانچه طبق اسناد و مدارک و شواهد و قرائن موجود در پرونده صحت دستمزدهای ارسالی کارفرما در ماه‌های منتهی به اخذ تعهدات کوتاه‌مدت و بلندمدت بیمه‌شدگان محرز نگردد و با توجه به مفاد مکاتبات شعبه نیز دستمزدهای مبنای کسر حق بیمه افراد غیرمتعارف تشخیص داده شود، در اجرای مفاد مواد ۳۹، ۹۷، ۱۰۱، ۱۰۵ قانون تأمین اجتماعی و سایر مقررات جاری و به‌ویژه بند «ط» ماده ۹ قانون ساختار نظام جامع تأمین اجتماعی در خصوص لیست‌های ارسالی جهت کلیه کارکنان شاغل در کارگاه رسیدگی و در مواردی که خارج از مصوبات شورای عالی کار نسبت به ارسال لیست مزد و حقوق و مزایای کارکنان اقدام گردیده باشد، عنداللزوم و در اسرع وقت از طریق کاربرگ سابقه نسبت به انجام اصلاحات لازم اقدام می‌شود. بدیهی است با توجه به ارسال لیست و حق بیمه سایر کارکنان با عناوین شغلی مشابه رأساً و با انجام بازرسی تحقیقی استانی در معیت نماینده حراست با اخذ مدارک و مستندات پرسنلی از جمله قراردادهای احکام کارگزینی، دفاتر حضور و غیاب، فیش حقوق، پرینت حساب بانکی بیمه‌شدگان و کارفرما، اسناد مالی و حسابداری، دفاتر قانونی و لیست حقوق و مزایای ارائه‌شده به اداره امور مالیاتی

و ... به موضوع رسیدگی و چنانچه بر اساس بررسی‌های به عمل آمده حق بیمه سایر افراد شاغل نیز بر اساس دستمزدهای واقعی پرداخت نگردیده باشد، برابر مقررات عمل و مابه‌التفاوت حق بیمه متعلقه را مطالبه و وصول می‌گردد ضمناً تأیید نهایی لیست و حق بیمه کارکنان شرکت موصوف من بعد منوط به اجرای کامل مقررات و ضوابط موضوع ماده ۳۹ قانون و بررسی اسناد و مدارک مالی و حسابداری و دفاتر قانونی شرکت و با اخذ تصاویر برابر اصل کلیه مدارک و مستندات از جمله پرینت حساب‌های بانکی بیمه‌شدگان و... مجاز و امکان‌پذیر خواهد بود. محدود بودن زمان اجرای ماده ۳۱ قانون برنامه پنجم توسعه و حاکمیت زمانی آن حداکثر تا پایان سال ۱۳۹۵ و اعمال این قانون بر بیمه‌شدگان پیرامون موضوع این مقرر و اتمام مهلت اجرای آن پس از برنامه پنجم توسعه و تغییر قانون در برنامه ششم توسعه سبب گردید برخی از بیمه‌شدگانی که تحت شمول ماده ۳۱ برنامه پنجم قرار گرفته‌اند بنا بر عدم آگاهی از قانون و اینکه ممکن است مجدداً حقوق آن‌ها بر مبنای ماده ۸۲ قانون توسعه محاسبه گردد به دیوان مراجعه نمودند و این مورد سبب چالش‌هایی برای سازمان تأمین اجتماعی که بر اساس قانون عمل می‌نماید گردید. مضافاً اینکه برخی از صاحب‌نظران معتقدند جای اصلاحات پارامتریک نظیر اصلاح سن بازنشستگی و موضوع مورد بحث، در قوانین موقت نمی‌باشد.

۴-۵. بازنشستگی جانبازان و آزادگان

همان‌طور که در ویژگی‌های مطلوب یک قانون برنامه پنج‌ساله اشاره گردید به کارگیری واژگان روشن، صریح و بدون ابهام از اصول صحیح قانونگذاری مطلوب هست. برخی حقوقدانان در کنار اوصاف مختلف قانون ویژگی‌هایی مانند نتیجه‌بخشی، کارآمدی و اثربخشی را جزء ویژگی‌های کیفی قانون محسوب می‌کنند (وکیلان و مرکز مالگیری، ۱۳۹۵: ۴۹). در این رهیافت اگرچه تمام قوانین به منظور اجرا وضع می‌شوند، معمولاً قوانین و مقرراتی که ویژگی قانون باکیفیت را در خود داشته باشند، به اجرا درمی‌آیند (مرکز مالگیری، ۱۳۹۷: ۲). این در صورتی است که قوانین مبهم و پیچیده در زمره قوانین بی‌کیفیت به شمار می‌آیند که همواره از نظر اجرا برای شهروندان، قضات و قوای عمومی مشکل‌آفرین بوده‌اند (عبدالله‌زاده شهرابکی، ۱۳۹۸: ۳۰۱). بنابراین اجرای قانون تا حدود زیادی منوط به وجود شرایطی در محتوای قانون از قبیل باکیفیت بودن محتوا، واضح بودن و فاقد ابهام بودن آن است؛ به طوری که محتوای قانون برای مجریان قابل درک باشد و در جهتی که مقصود مقنن است به کار گرفته شود (راسخ، ۱۳۸۵: ۲۲). به عقیده حقوقدانان، در راستای تحقق این هدف ضروری است تا از آغاز فرایند قانونگذاری از حضور فعال متخصصان و کارشناسان زبان استفاده شود تا قوانین و مقرراتی باکیفیت و با کمترین پیچیدگی و ابهام برای مجریان و مخاطبان وضع شود (عبدالله‌زاده شهرابکی، ۱۳۹۹: ۷۶۲). بنابراین عامل اصلی اجرایی‌نشدن و معطل ماندن قوانین اشکال در محتوای آن است (ابریشمی راد و اسدی اوجاق، ۱۴۰۱: ۱۳۱). مطابق مفاد بند (ج) ماده ۸۷ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه جانبازانی

که قبل از تصویب این قانون به صورت پیش از موعد یا عادی و بدون سنوات ارفاقی بازنشسته شده‌اند با رعایت شرط سنی کمتر از شصت و پنج سال می‌توانند به خدمت اعاده و با تکمیل خدمت سی و پنج سال خود و با رعایت شرایط عمومی به بازنشستگی نائل آیند. در بند «ز» ماده ۸۷ قانون صدرالاشاره نیز مقرر گردیده «آزادگانی که به دلیل استفاده از دو برابر شدن سابقه اسارت زودتر از خدمت سی سال بازنشسته شده‌اند می‌توانند برای یک‌بار و رعایت شرط سنی زیر شصت و پنج سال با بازگشت به خدمت حسب مورد سی یا سی و پنج سال خدمت خود را تکمیل کنند و سپس با لحاظ عین سوابق اسارت به بازنشستگی نائل آیند.» بنابراین ابهاماتی به شرح ذیل مطرح گردید: الف) آیا جانبازانی که به صورت پیش از موعد یا عادی و بدون سنوات ارفاقی بازنشسته شده‌اند، در صورت اعاده به خدمت باید حتماً شرایط تبصره ۳ ماده ۷۶ قانون را احراز نمایند، به عبارت دیگر قبل از تکمیل سی و پنج سال سابقه امکان بهره‌برداری از مزایای مستمری بازنشستگی را نخواهند داشت؟ ب) با عنایت به تأکید قانونگذار مبنی بر رعایت شرط سنی کمتر از شصت و پنج سال در هر دو قانون پیش‌گفت، در صورت اعاده به خدمت مشمولین و رسیدن به شرط سنی مورد نظر قبل از تکمیل سابقه لحاظ‌شده، تکلیف چیست؟ آیا رعایت شرایط سنی صرفاً در زمان اعاده به خدمت مورد نظر هست؟ ج) نظر به عنوان رعایت شرایط عمومی بازنشستگی در متن بند «ج» ماده ۸۷ قانون فوق‌الذکر، منظور قانونگذار شرایط عمومی حاکم بر دستگاه محل اشتغال بیمه‌شده هست یا صندوق‌های بازنشستگی؟ د) منظور قانونگذار در بند «ز» ماده ۸۷ قانون از به‌کاربردن عبارت «...حسب مورد سی یا سی و پنج سال خدمت» چیست؟ آیا فرد دراثنای این سابقه نمی‌تواند درخواست بازنشستگی نماید؟ علاوه بر عدم احاطه قانونگذار بر تمامی مسائل که منجر به سکوت او در موارد زیادی می‌شود، خصیصه کلی بودن قانون نیز سبب بروز ابهام، اجمال و تعارض در قانون شده است (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۲۱۲) قانون برنامه توسعه از قوانین موقت هست. قانون موقت محل نسخ واقع نمی‌شود و بدون نیاز به نسخ، اعتبارشان با انقضای مدت آن‌ها و خودبه‌خود پایان می‌گیرد. بر این اساس، در صورتی که مدت استمرار و دوام اعتبار قانون در خود آن تعیین شود، چنین قانونی موقت است. قوانین برنامه توسعه که برای مدت پنج سال تصویب می‌شوند از این قبیل‌اند. چنان‌که اشاره شد، قانون موقت، برخلاف قانون دائمی، بدون نیاز به وضع قانون ناسخ و به‌صرف انقضای مدت پیش‌بینی شده در آن ملغی و بی‌اعتبار می‌شود و علت این‌الغاء، معین بودن مدت اعتبار قانون در خود آن است (اقبالعلی میرزایی، ۱۳۹۳: ۱۴۹) بنابراین وجود ابهام معتابه در این قانون موجب صرف زمان جهت استفسار یا هرگونه مکاتبه می‌شود که مغایر با ماهیت ذاتی چنین قوانینی است. بدین ترتیب در مانحن‌فیه اگرچه با استفاده از قدرت تحلیل و تفسیر حقوقی و همچنین مکاتبات حقوقی به ابهامات موجود پاسخ داده شد لیکن مهیاکردن زمینه‌های لازم جهت انجام کارشناسی‌های تفصیلی توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و دیگر مراجع کارشناسی و پیش‌بینی تمهیداتی با هدف توجه به نظرهای کارشناسی در فرایندهای قانونگذاری پیرامون قوانین تأمین اجتماعی می‌تواند از معطل ماندن اجرای قوانین جلوگیری نماید.

۵-۵. بند «خ» ماده ۸۷ قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

وفق تبصره بند «الف» ماده ۱۲ قانون فوق‌الذکر که مقرر می‌دارد «...هرگونه تعهد جدید برای سازمان تأمین اجتماعی باید در قانون بودجه همان سال پیش‌بینی و تأمین شود» لذا تا زمانی که بار مالی ناشی از اجرای آن توسط دولت تأمین و در بودجه سنواتی کل کشور پیش‌بینی نگردد، سازمان نیز تکلیفی برای اجرای آن نخواهد داشت. بند «خ» ماده ۸۸ قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد ایثارگران و فرزندان شهدا و آزادگان و جانبازان و رزمندگان با حداقل دوازده ماه سابقه حضور در جبهه برای یکبار از پرداخت مابه‌التفاوت برای پانزده سال سنوات بیمه‌ای ناشی از تغییر صندوق بیمه و بازنشستگی معافاند. این مبلغ به‌عنوان مطالبه صندوق منتقل‌الیه از دولت منظور و در قالب بودجه سنواتی توسط دولت پرداخت و تسویه می‌شود. مشمولین این قانون آن دسته از ایثارگران و فرزندان شهدا و آزادگان و جانبازان و رزمندگان دارای حداقل دوازده ماه سابقه می‌باشند که در طول برنامه ششم توسعه درخواست انتقال کسور بازنشستگی خود را به واحدهای اجرایی ارائه می‌نمایند. احراز مصادیق ایثارگری فرزندان شهدا، آزادگان و جانبازان بر اساس گواهی صادره از سوی بنیاد شهید و امور ایثارگران و در خصوص رزمندگان با حداقل دوازده ماه سابقه حضور در جبهه (اعم از داوطلبانه یا غیر داوطلبانه) در حدفاصل زمانی ۱۳۵۹/۰۶/۳۱ تا ۱۳۶۷/۰۵/۲۷ با ارائه گواهی از سوی مراجع مجاز صادرکننده در سطح نیروهای مسلح (موضوع بند ۶ بخشنامه شماره ۱۵ مشترک فنی و درآمد) خواهد بود. مرجع پرداخت مابه‌التفاوت متعلقه برای بیمه‌شدگان مشمول ماده قانونی موردبحث برای شاغلین در دستگاه‌های اجرایی موضوعه ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۱۳۸۶ و ماده ۲ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب سال ۱۳۹۲، به عهده دستگاه مربوطه می‌باشد و برای شاغلین در کارگاه‌های غیردولتی و کلیه بیمه‌شدگانی که به هر نحو حق بیمه خود را به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت می‌نمایند (شامل گروه‌های خاص بیمه‌ای، دریافت‌کنندگان مقرری بیمه بیکاری و...) چنانچه متقاضی در زمره فرزندان شهدا، آزادگان و جانبازان باشد، به عهده بنیاد شهید و امور ایثارگران و برای رزمندگان با حداقل دوازده ماه سابقه حضور در جبهه، ستاد کل نیروهای مسلح خواهد بود. پذیرش سابقه منتقله و برخورداری از مزایای قانونی آن نزد سازمان، منوط به پرداخت مابه‌التفاوت متعلقه و وصول کسور منتقله خواهد بود. باتوجه به عدم پرداخت مابه‌التفاوت متعلقه برای بیمه‌شدگان مشمول ماده قانونی موردبحث از سوی بنیاد شهید و امور ایثارگران و نیز ستاد کل نیروهای مسلح، تبعاً چنین موردی سبب چالش‌های عدیده‌ای برای سازمان تأمین اجتماعی گردیده است که یکی از موارد آن در قالب شکایت به دیوان عدالت اداری هست. بنابراین سازمان تأمین اجتماعی جهت اجرای آرای قطعی دیوان عدالت اداری مبلغ فوق‌الذکر را به‌عنوان دیون دولت قرار می‌دهد و نسبت به اجرای رأی اقدام می‌نماید.

۵-۶. ادغام بخش درمان سازمان تأمین اجتماعی در سازمان بیمه سلامت

مهیاکردن زمینه‌های لازم جهت انجام کارشناسی‌های تفصیلی توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و دیگر مراجع و پیش‌بینی تمهیداتی با هدف توجه به نظرهای کارشناسی در فرایندهای قانونگذاری یکی از ضروریات این عرصه هست. به‌موجب بند «ب» ماده ۳۸ قانون برنامه پنجم توسعه به دولت اجازه داده شد بخش‌های بیمه‌های درمانی کلیه صندوق‌های موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۵) قانون محاسبات عمومی کشور را در سازمان بیمه خدمات درمانی ادغام نماید و تشکیلات جدید «سازمان بیمه سلامت ایران» نام‌گذاری و کلیه امور مربوط به بیمه سلامت در این سازمان متمرکز شود. همچنین بنابر تبصره ۲ بند «ب» این ماده بیمارستان‌ها و مراکز ملکی صندوق تأمین اجتماعی که درمان مستقیم را بر عهده دارند با حفظ مالکیت در اختیار صندوق مذکور باقی‌مانده و مطابق مقررات به سازمان بیمه سلامت ایران فروش خدمت خواهند نمود. وفق تبصره ۴ بند «ب» این ماده دارائی‌ها، تعهدات، اموال منقول و غیرمنقول، منابع انسانی، مالی و اعتباری، امکانات، ساختمان و تجهیزات مربوط به بخش بیمه‌های درمان به‌استثناء صندوق تأمین اجتماعی با تشخیص معاونت به سازمان بیمه سلامت ایران منتقل می‌گردد. اعتبارات مربوط به حوزه درمان نیز بر اساس عملکرد در قبال ارائه خدمات و محاسبه به‌عنوان بخشی از تعرفه استحقاقی در قالب بودجه سنواتی پیش‌بینی می‌گردد. برداشت و تفسیر موافقان ادغام بخش درمان سازمان تأمین اجتماعی در سازمان بیمه سلامت از برنامه پنجم توسعه درحالی بود که تبصره‌های ۲ و ۴ ماده ۳۸ قانون برنامه، تمامی احکام و موارد و تبصره‌های مرتبط با حوزه سلامت در برنامه پنجم مخالف این ادعا است. همچنین برخی از موافقان ادغام معتقد به رفع نواقص طرح تحول سلامت با بهره‌برداری از تفسیر به رأی ماده ۳۸ و در نتیجه ادغام آن بودند درحالی که کارشناسان صاحب‌نظر این حوزه، هشدارهای علمی و منطقی متعددی را پیرامون نحوه طراحی و اجرا و اولویت‌بندی طرح تحول نظام سلامت مطرح می‌ساختند و پیش‌بینی می‌کردند که این طرح با عنایت به یک‌سویه نگری و توجه صرف به سمت ارائه‌دهندگان خدمات (پزشکان و مراکز درمانی، دارویی و تشخیصی) و نیز تبعیض در بین ارائه‌دهندگان خدمات موصوف و اولویت‌دهی و تمرکز بر پزشکان، در آینده از لحاظ تأمین منابع مالی پایدار دچار مشکل خواهد شد و افزایش تعرفه‌ها بدون نظام‌های هدایتی، نظارتی و کنترلی لازم و در شرایطی که پیش‌نیازهای طرح یعنی لایه‌بندی و سطح‌بندی خدمات، نظام ارجاع و پزشک خانواده، تک‌شغله‌شدن واقعی پزشکان، راهنماهای بالینی، خرید راهبردی و ... محقق نشده است، صرفاً به افزایش بار مالی دولت و بیمه‌ها منجر خواهد شد و چون منابع و اعتبارات دولتی محدود و ناپایدار است، در نهایت فشار به بیمه‌ها خواهد آمد و اینکه اگر صرفاً بیمه‌ها این افزایش‌ها را متقبل بشوند با این سخن که بگوییم پرداخت از جیب مردم کاهش یافته است در تضاد است چراکه در واقع پرداخت از جیب مستقیم مردم کاهش می‌یابد

لیکن پرداخت از جیب غیرمستقیم (بیمه‌ها) افزایش می‌یابد و در مجموع با افزایش تعرفه‌ها مردم ضرر خواهند کرد و فقط ارائه‌دهندگان خدمت و در میان آن‌ها نیز منحصراً پزشکان سود خواهند برد. برخی از مدعیان ادغام، ابلاغ اصول و سیاست‌های کلی نظام در حوزه سلامت و به‌ویژه تفسیر خود از بند ۷ که اتفاقاً ناظر به تفکیک است نه تجمیع را مستمسک ادغام بیمه‌ها قرار دادند این در حالی است که بر اساس بند ۴- همان اصول و سیاست‌های ابلاغی گفته شده است که تحقق آن مستلزم تصویب قوانین جدید است. موافقان ادغام بخش درمان سازمان تأمین اجتماعی در وزارت بهداشت در اندیشه انتقال و واگذار نمودن بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها و دفاتر رسیدگی به اسناد پزشکی و مدیریت‌های درمان استان‌ها و معاونت درمان سازمان تأمین اجتماعی به وزارت بهداشت و همچنین پرداخت ۹/۲۷) حق بیمه دریافتی به وزارت بهداشت بودند که در این حالت می‌توانست دفترچه‌های درمان سازمان تأمین اجتماعی و یا سازمان بیمه سلامت ملاک عمل قرار بگیرد. ثمن معامله از سوی دولت پرداخت و یا در حساب‌های فی‌مابین با دولت منظور و یا با خدمات دریافتی آتی (به‌جای پرداخت سهم ۹/۲۷) حق بیمه درمان) تهاثر می‌گردید. بر اساس استنادات قانونی (تبصره‌های ۲ و ۴ ماده ۳۸ قانون برنامه توسعه) درمان مستقیم و غیرمستقیم سازمان از ادغام بیمه‌های درمانی مستثنا است و با توجه به اینکه اجرای بند ۷ اصول و سیاست‌های کلی حوزه سلامت نیز موقوف به ارائه لایحه و تصویب قانون جدید هست، فلذا حتی در صورت پذیرش تفسیر نادرست از ماده ۳۸ برنامه پنجم توسعه و سیاست‌های کلی حوزه سلامت تحقق این مورد، موقوف و منوط به تصویب قانون جدید می‌باشد. چراکه در بند ۷-۴ سیاست‌های کلی سلامت به‌صراحت آمده است که «هماهنگی و ساماندهی امور فوق (مندرج در صدر و ذیل بند ۷) مطابق سازوکاری است که قانون تعیین خواهد کرد» و بدیهی است که نگارش متن به‌طوری است که به قانون جدید احاله داده است نه قوانین موجود و تفسیر به رأیی که از قوانین قبلی شده است یا می‌شود. در نهایت با بررسی جوانب امر و بررسی‌های کارشناسی کمیسیون تلفیق برنامه توسعه، ادغام صندوق درمان سازمان تأمین اجتماعی در طرح تحول سلامت منتفی گردید.

۵-۷. ماده ۷۱ قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

موضوع این ماده معافیت کارفرمایان و کارآفرینان بخش خصوصی از سهم بیمه کارفرما در صورت جذب نیروی کار جوان است (تصویب‌نامه ۳۲۷۲۶ ت/۵۵۹۵۹ مصوب ۱۳۹۸/۰۲/۲۵) که فی‌نفسه به جهت ایجاد فضای تشویقی برای کارفرمایان و ارتقاء سطح اشتغال در جامعه و همچنین کاهش معضل بیکاری جوانان از طریق جذب آنان پس از فراغت از تحصیل و ایجاد تسهیلات بیمه‌ای، تصویب و پایه‌گذاری گردیده است و می‌تواند نقش بسزایی در مرتفع نمودن معضلات پیش‌گفته داشته باشد. که این مهم با پایه‌ریزی زیرساخت‌های اصولی و بنیادی به سرانجام خواهد رسید. (بخشنامه‌های مصوب از جمله تبصره یک ماده ۲۸ قانون تأمین اجتماعی و ماده ۳ قانون کار و بند ۴ ماده ۲ قانون تأمین اجتماعی)

در مانحن فیه کارفرمایان و کارآفرینان متقاضی به ادارات تعاون، کار و رفاه اجتماعی مراجعه و جهت جذب کارورز از بین نیروهای کار ثبت‌نام‌شده در سامانه کارورزی اعلام آمادگی می‌نمایند و نیروی کارورزی که طی دو سال قبل از ثبت‌نام دارای سوابق بیمه‌ای بیش از ۳ ماه نباشد می‌تواند جذب کار گردد. باتوجه به قانون، کارفرمایانی که اقدام به جذب نیروهای کارورز می‌نمایند نهایتاً تا دو سال از پرداخت حق بیمه سهم کارفرمایی معاف خواهند بود. اگرچه طرح راهبردی موصوف به جهت افزایش اشتغال نیروی کار جوان پس از فارغ‌التحصیلی با معافیت سهم کارفرما از پرداخت حق بیمه مصوب حاصل و موجب تشویق کارفرمایان و صاحبان مشاغل در جذب نیروی تحصیل کرده و آماده به اشتغال می‌شود و در عرصه توسعه اقتصادی و پیشرفت صنعتی کشور بسیار مؤثرتر است؛ لیکن به جهت تحمیل مبالغ هنگفت مابه‌التفاوت حق بیمه تحت عنوان بدهی دولت به سازمان و عدم رعایت پرداخت مقتضی و به‌هنگام آن امکان تسهیل خدمت‌رسانی به بیمه‌شدگان تحت پوشش و همکاری با شرکاء اجتماعی خود را نمی‌دهد؛ از این رو طرح موصوف که با اهداف عالی‌ه وضع گردیده منتج به بازخورد معکوس و تحمیل بار هنگفت مالی و در پی آن ایجاد بی‌اعتمادی به سازمان خدمات‌رسان است که این خود مغایر با اهداف مذکور است. علی‌ای حال پیشنهاد می‌گردد به جهت تداوم خدمات‌رسانی و پیشگیری از ورود خدشه به وجهه عمومی یا اعتبار سازمان و از طرفی حمایت از اشتغال و ایجاد فضای گسترده و بستری آماده برای اشتغال جوانان تحصیل کرده و متخصص، پرداخت بخشی از معافیت حق بیمه به عهده اتاق اصناف و بازرگانی قرار گرفته و از حق عضویت کارفرمایان صاحبان مشاغل در صندوق ایشان کسر و به حساب سازمان واریز گردد؛ با این اقدام نه تنها معوقات مطالبات سازمان وصول می‌گردد بلکه سبب تداوم این ماده قانونی می‌گردد.

۵-۸. ماده ۸۴ قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

قانون باید چنان واضح و روشن باشد که مجریان و پیروان، مقصود آن را به خوبی دریابند و یک قانون متناقض، مبهم یا مغلق، موجب سردرگمی مجریان و تابعانی خواهد بود که باید قانون را به اجرا درآورند یا از آن تبعیت کنند. اصلاحیه تبصره دو ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی مختص مشمولین قانون کار و کارگران هست و به همین دلیل کلیه مراحل اجرایی آن در قانون و آیین‌نامه مصوب ۱۳۸۵/۱۲/۲۶ هیئت‌وزیران اعم از نظارت کارگاهی، اجرا، جرائم و ... به عهده وزارت کار سابق که متولی کارگاه‌های مشمول قانون کار و کارگران هست، قرار گرفته است و کارمندان دولت و شاغلین مشمول قانون تأمین اجتماعی که مشمول قانون کار نمی‌باشند از لحاظ بررسی مشاغل سخت و زیان‌آور و میزان سنوات ارفاقی و تعهدات مالی ناشی از آن و سایر امور مشمول قانون «نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور» مصوب ۱۳۶۷/۰۹/۰۱ می‌باشند و فلسفه تصویب اصلاحیه تبصره دو ماده ۷۶ نیز وجود این تسهیلات برای کارمندان و غیر

مشمولین قانون کار بوده است، بنابراین آتش‌نشان‌هایی که مشمول قانون کار هستند مشمول تبصره دو ماده ۷۶ قرار داشته و در صورت احراز شرایط از مزایای این تبصره برخوردار گردیده‌اند. لیکن سایر آتش‌نشان‌ها که مشمول قانون کار نبوده‌اند تا قبل از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون استفساریه (۱۳۹۷/۰۳/۱۸)؛ بر اساس قانون مصوب ۱۳۶۷/۰۹/۰۱ بازنشسته می‌شدند. بر این اساس استفساریه مذکور از نظر اینکه مشمولین قانون دیگری را جزو مشمولین قانونی دیگر قرار داده است به دلیل توسعه قانون قطعاً اصلاح قانون بوده و به نظر می‌رسد مغایر اصل ۷۳ قانون اساسی هست. به استناد تبصره سه بند ۳ ماده واحده مصوب ۱۳۶۷/۰۹/۰۱ هزینه‌های سنوات ارفاقی شامل حق بیمه (بر مبنای ۲۷ درصد مزد) و مستمری قابل پرداخت تا احراز شرایط بازنشستگی عادی و حق بیمه سنوات ارفاقی (بر مبنای ۲۷ درصد مزد) توسط دستگاه‌ها به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت خواهد شد در صورتی که بر اساس بندهای ۴ و ۶ اصلاحیه تبصره دو ماده ۷۶ صرفاً ۴ درصد حق بیمه مازاد و ۴ درصد مستمری سوابق قبل از تصویب قانون از کارفرما وصول می‌گردد که به‌طور میانگین یک پنجم مبلغ مقرر در قانون مصوب سال ۱۳۶۷ است. باتوجه‌به اینکه تعداد قابل توجهی از آتش‌نشان‌ها قبلاً بر اساس قانون مصوب سال ۱۳۶۷ بازنشسته شده‌اند با تصویب این استفساریه در ۱۳۹۷/۰۳/۱۸ که تسهیلات بیشتری برای آتش‌نشان‌ها دارد، لذا انتظاراتی را به همراه دارد که تبعات آن تصویب قوانین و یا طرح استفساریه مجدد احتمالی هست. سازمان در فرآیند تصویب این استفساریه مخالفتی با یکنواخت شدن قوانین مربوط به آتش‌نشان‌های مشمول قانون کار و غیر مشمول نداشته است لیکن اعلام نمود این یکنواختی نیاز به اصلاح قوانین داشته و با استفساریه قابل انجام نخواهد بود. نظر به جامع و مانع نبودن ماده ۸۴ قانون برنامه ششم توسعه و نیز استفساریه مذکور مبنی بر لزوم احتساب مشاغل آتش‌نشانی به‌عنوان مشاغل سخت و زیان‌آور، سؤالات و ابهاماتی برای مجریان قانون پدید آمد. باتوجه‌به موضوع استفساریه مبنی بر اینکه «...کارفرمایان آن‌ها (شهرداری‌ها) به‌منظور تأمین منابع مالی... مکلف به پرداخت چهار درصد مابه‌التفاوت حق بیمه مشاغل سخت و زیان‌آور به سازمان تأمین اجتماعی می‌باشد...» (الف) قانون حاضر صرفاً به پرداخت چهار درصد حق بیمه اشاره نموده است. و چهار درصد مستمری مربوط به قبل از تصویب قانون (۱۳۸۰/۰۷/۱۴) هست که در قانون مذکور از آن ذکری به میان نیامده است. بنابراین آیا می‌توان استدلال نمود هدف قانونگذار صرفاً پذیرش سختی کار این‌گونه متقاضیان از تاریخ تصویب قانون (۱۳۸۰/۰۷/۱۴) به بعد بوده است؟ (ب) در غیر این صورت علت عدم ذکر و حذف بخشی از قانون و مطالبات قانونی این سازمان جهت وصول ۴ درصد مبلغ مستمری که مربوط به سنوات قبل از تصویب قانون (۱۳۸۰/۰۷/۱۴) هست چیست؟ و چگونه حقوق سازمان از این بابت بایستی وصول گردد؟ (ج) باتوجه‌به عدم اعلام چهار درصد بدهی مستمری در پاسخ استفساریه، آیا می‌توان در محاسبه سنوات ارفاقی و تأمین بار مالی از قانون نحوه بازنشستگی جانبازان و ... استفاده نمود؟ (د) باتوجه‌به اینکه تا زمان تصویب

قانون حاضر (۱۳۹۷/۰۲/۱۹) قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور قانون حاکم بر وضعیت اشتغال آتش‌نشان‌ها بوده است، بدیهی می‌نماید اطلاق قانون مصوب حاضر، پس از تاریخ تصویب (۱۳۹۷/۰۲/۱۹) میسر است و مشاغل این دسته از بیمه‌شدگان به‌عنوان مشاغل سخت و زیان‌آور از تاریخ فوق‌الذکر قابل پذیرش است؛ مع‌الوصف دور از نظر نمی‌نماید که با اجرای قانون حاضر، متقاضیانی که قبل از قانون استفساریه مورخ ۱۳۹۰/۰۶/۲۹ در زمره مستمری‌بگیران قرار گرفته‌اند در مراجع قضایی اقامه دعوا نمایند و خواستار بهره‌مندی از اطلاق قانون اخیرالتصویب بر شرایط بازنشستگی خود گردند. لذا نحوه اقدام در خصوص افرادی که با اخذ رأی از مراجع قضایی، متقاضی بهره‌مندی از مزایای قانون مذکور می‌باشند چگونه خواهد بود؟ (ه) باتوجه به طرح جزءهای (۴) و (۶) بند (ب) ماده واحد قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده ۷۶ در قانون استفساریه، آیا می‌توان در محاسبه بار مالی، اصل جزءهای ذکر شده (چهار درصد بدهی حق بیمه بعد از تصویب قانون و حق بیمه مربوطه مستمری برقراری تا احراز شرایط مندرج در تبصره (۲) و همچنین چهار درصد میزان مستمری برقراری نسبت به سنوات قبل از تصویب قانون) را جهت محاسبه بدهی اعمال نمود؟ بررسی احراز شرایط بیمه‌شدگان شاغل در مشاغل عملیاتی آتش‌نشانی دارای روابط استخدامی غیرمشمول قانون کار با کارفرمایان، بر اساس قوانین حاکم بر وضعیت متقاضیان، به دو دوره تقسیم می‌گردد: دوره اول؛ حاکمیت ماده واحد قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور، مصوب ۱۳۶۷/۰۹/۰۱ با اصلاحات بعدی بر وضعیت اشتغال بیمه‌شدگان مشاغل سخت عملیاتی آتش‌نشانی تا قبل از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون استفساریه (۱۳۹۷/۰۳/۱۸)؛ نظر به اینکه قانون حاکم بر شاغلین مشاغل عملیاتی آتش‌نشانی تا قبل از لازم‌الاجرا شدن طرح استفساریه مذکور به علت عدم شمول قانون کار بر آنان، قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و ... بوده است، لذا به جهت عدم امکان اطلاق قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی، بر بازه زمانی که متقاضیان مشمول قانون دیگری بوده‌اند، قانون حاکم بر وضعیت این گروه از بیمه‌شدگان تا قبل از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون استفساریه (۱۳۹۷/۰۳/۱۸)، قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و ... هست و کلیه قواعد و مقررات قانون و آیین‌نامه اجرایی مربوطه مصوب ۱۳۶۸/۰۸/۲۵ و اصلاحات بعدی آن (موضوع بخشنامه ۴۵ مستمری‌ها مورخ ۱۳۸۵/۰۶/۰۷) در خصوص متقاضیان مشمول لازم‌الاجراست. دوره دوم حاکمیت قانون تفسیر جزء (۱) بند (ب) تبصره ۲ ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی (مصوب ۱۳۹۰/۰۶/۲۹) بر متقاضیان بازنشستگی شاغل در مشاغل عملیاتی آتش‌نشانی از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون استفساریه (۱۳۹۷/۰۳/۱۸)؛ متصدیان مشاغل عملیاتی آتش‌نشانی که بیمه‌شده تأمین اجتماعی هستند و دارای روابط استخدامی غیرمشمول قانون کار با کارفرمایان خود می‌باشند همانند مشمولان قانون کار، در راستای اجرای ماده (۲) آیین‌نامه اجرایی بند (۵) ماده واحد قانون اصلاح تبصره (۲)

الحاقی... مصوب ۱۳۸۵/۱۲/۲۶ با اصلاحات بعدی، می‌توانند پس از طرح مشاغل عملیاتی آتش‌نشانی در کمیته‌های استانی و در صورت تأیید آن مشاغل توسط کمیته‌های مذکور و احراز شرایط لازم، از مزایای قانون بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان‌آور برخوردار شوند، بنابراین تمامی قواعد و مقررات مربوط به قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده ۷۶ قانون... مصوب ۱۳۸۰/۰۷/۱۴ و آیین‌نامه اجرایی بند (۵) ماده واحده قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی... مصوب ۱۳۸۵/۱۲/۲۶ با اصلاحات بعدی آن در خصوص متقاضیان مذکور با توجه به نظریه تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۵۸۳ مورخ ۱۳۷۶/۰۳/۱۰ شورای نگهبان از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون تفسیر مشاغل عملیاتی آتش‌نشانی مصوب ۱۳۹۷/۰۳/۱۸ قابل اجرا هست. با عنایت به مفاد مصوبه شماره ۱۲۴۶۱۰/ت/۴۴۵۴۷ مورخ ۱۳۸۹/۰۶/۰۶ هیئت محترم وزیران که کارگران موضوع قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و... مصوب ۱۳۶۷/۰۹/۰۱ را مشمول قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده ۷۶ قانون... مصوب ۱۳۸۰/۰۷/۱۴ دانسته است، لذا میزان چهار درصد بدهی جهت هر یک از متقاضیان شاغل در مشاغل عملیاتی آتش‌نشانی که رابطه غیرمشمول قانون کار با کارفرما خود دارند به تاریخ قبل از ۱۳۸۹/۰۶/۰۶، چهار درصد حق بیمه و چهار درصد مستمری و به تاریخ بعد از تاریخ مذکور فقط چهار درصد بدهی حق بیمه محاسبه و وصول می‌گردد. همچنین در خصوص آن دسته از متقاضیانی که قبل از تاریخ تصویب قانون استفساریه (۱۳۹۷/۰۳/۱۸) از مشاغل عملیاتی آتش‌نشانی خارج شده و در مشاغل غیرعملیاتی شاغل می‌باشند، چنانچه متقاضیان بعد از تاریخ قانون تفسیر جزء (۱) بند (ب) تبصره (۲) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۹۰/۰۶/۲۹ مجلس شورای اسلامی در مشاغل عملیاتی آتش‌نشانی شاغل بوده باشند، با عنایت به مفاد قانون استفساریه مذکور می‌توانند از سنوات ارفاقی ناشی از اشتغال در مشاغل سخت و زیان‌آور با رعایت مفاد بند (۱) بهره‌مند گردند.

۵-۹. ماده ۱۰ قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور (برنامه‌های سوم تا پنجم توسعه)

بر اساس آیین‌نامه اجرایی ماده (۱۰) قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور و اصلاح ماده (۱۱۳) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کارفرمایان واحدهای صنعتی دارای پروانه بهره‌برداری از وزارت صنایع و معادن یا سایر مراجع قانونی می‌توانستند با ارائه مدارک به سازمان تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی (حسب مورد) درخواست بازنشستگی هر یک از کارکنان با سابقه پرداخت حق بیمه بیش از ۲۵ سال را منوط به پرداخت پنجاه درصد مابه‌التفاوت کسورات شخصی که تقاضای بازنشستگی او ارائه شده است و همچنین ارائه قرارداد استخدام (مطابق ضوابط قانون کار) یک کارگر جدید (جایگزین) که نام او در فهرست بیمه شرکت درج گردیده باشد، بنمایند.

وفق ماده ۴ آیین‌نامه فوق‌الذکر سازمان تأمین اجتماعی و سایر صندوق‌های ذی‌ربط معادل مبلغ دریافتی از کارفرمایان موضوع این آیین‌نامه را در پایان هر سال به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور منعکس می‌نماید و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معادل مبلغ مزبور را به‌عنوان بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی در ردیف بودجه جداگانه‌ای پرداخت می‌نماید لیکن سال‌ها پرداخت مبلغ حق بیمه تحت عنوان دیون دولت به سازمان منظور نشد و نهایتاً منطبق با مصوبه‌ای که در مجلس در این زمینه به پیشنهاد دولت به تصویب رسید، پرداخت ۵۰ درصد هزینه فوق از عهده دولت خارج و بر عهده کارفرمایان نهاده شد. بنابراین طبق این قانون در صورتی که کارفرمایان، سهم دولت و سهم خود و هزینه‌های مربوط به ۵ سال پرداخت مستمری پیش از موعد را می‌پذیرفتند و به ازای هر یک نفر کارگری که به این طریق بازنشسته می‌نمودند، یک نیروی جوان را به خدمت می‌گرفتند؛ می‌توانستند از مزایای این قانون بهره‌مند شوند.

با عنایت به اهداف این مصوبه مبنی بر جوان‌سازی نیروی کار در صورت مشارکت دولت و پرداخت حق بیمه سنوات باقی‌مانده و همکاری با بخش خصوصی این مهم با استقبال مواجه می‌گردید و تا حدود زیادی دارای توجیه اقتصادی بود و با اهداف این مصوبه همسو می‌شد. لیکن به دلیل عدم پرداخت سهم دولت (مکلف شدن بخش خصوصی به پرداخت ۵۰ درصد سهم خود تا پیش از برقراری مستمری افراد) و منظور نمودن باقیمانده آن به‌عنوان دیون دولت به سازمان با توجه به پیامدهایی از جمله اختلال در پرداخت هزینه‌های برقراری مستمری و خدمت‌رسانی سازمان به بیمه‌شدگان و شرکای اجتماعی خود، با استقبال روبرو نشده و پس از مصوبات جدید و محول نمودن این سهم به کارفرمایان به‌طور کامل این طرح مسکوت ماند و جز در موارد خاص با استقبال مواجه نگردید.

به‌نظر می‌رسد در گذشته که ۵۰ درصد از بار مالی سنوات ارفاقی بر عهده دولت بود می‌شد با توجیه جوان‌سازی نیرو و عدم استفاده از نیروهای کاری که دیگر بازده چندانی نداشتند اعمال این قانون و درخواست بازنشستگی پیش از موعد کارفرما برای کارگران را توجیه کرد اما با توجه به شرایط پرداخت جدید این طرح مسکوت ماند. بعضی از کارفرمایان واحدهای تولیدی و صنعتی حاضر شدند تا در ازای بازنشستگی نیروهای باسابقه، خویشاوندان یا فرزندان آنان را به‌عنوان نیروی جایگزین استخدام کنند اما تضمین اشتغال نیروی جایگزین شده همواره یکی از مشکلات اساسی در اجرای این ماده قانونی بوده است چراکه اغلب کارفرمایان پس از آنکه چند ماهی با استخدام‌های موقت از ماده ۱۰ قانون نوسازی صنایع برای تعدیل کارگران خود بهره گرفتند از عمل به تعهدات خود امتناع نمودند. مع‌الوصف اگر این ماده به اجرا درمی‌آمد ضمن حل مشکلات بسیاری از کارگران باسابقه، زمینه ایجاد اشتغال گسترده در کشور فراهم می‌شد. اگرچه در برنامه چهارم توسعه، دولت مکلف بود که این ماده را با دو شرط؛ یعنی موافقت کارفرما و جایگزینی فردی توسط کارفرما به اجرا درآورد لیکن در برنامه پنجم، قانونگذار

این ماده را به دولت تکلیف نکرد بلکه تنفیذ نمود به این نحو که اجرای این ماده به دولت واگذار شد و دولت در صورتی که تشخیص می‌داد و منابع مالی آن را تأمین می‌کرد می‌توانست ماده ۱۰ نوسازی صنایع را به سازمان تأمین اجتماعی ابلاغ کند به همین دلیل اجرای این ماده به تعویق افتاد. برابر این ماده قانونی دولت باید اجرای قانون را به سازمان تأمین اجتماعی ابلاغ کند و اگر دولت به سازمان ابلاغ نکند و سازمان تأمین اجتماعی رأساً اقدام نماید، در آن صورت دولت از ۵۰ درصد سهم خود که باید به سازمان پرداخت شود، امتناع می‌کند؛ بنابراین پیش‌بینی ماده ۱۰ نوسازی صنایع به یک الزام قانونی مبدل شده و اجرای آن به سازمان تأمین اجتماعی سپرده شده بود اما قانونگذار ابلاغ و تسری این کار را به دولت واگذار کرده بود که از این منظر نوعی مانع در اجرایی شدن قانون و بهره‌مندی کارگران مشمول این ماده قانونی به شمار می‌رفت. همچنین با عنایت به اتمام مدت اجرای ماده قانونی مذکور تا مدت‌زمان عدیده‌ای شاهد صدور آرای دیوان عدالت اداری مبنی بر الزام اجرای آن بودیم که شایان ذکر است با توجه به اینکه بسیاری از بخشنامه‌های صادره در طول اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و با در نظر گرفتن قوانین بودجه تنظیم و ابلاغ می‌گردد که بعد از اتمام مهلت اجرایی، بودجه‌ای نیز به آن اختصاص نمی‌یابد ولیکن دیوان عدالت اداری آرای مبنی بر الزام مجدد بخشنامه‌های مذکور صادر می‌نماید که علاوه بر مشکلات مکانیزه در اجرای رأی، مشکل کمبود منابع سازمان را نیز تشدید می‌نمایند.

۶. راهبردهای پیش روی سازمان در تدوین برنامه هفتم

به‌طور کلی راهبردهای پیش روی سازمان برای مشارکت در تدوین و تصویب برنامه هفتم توسعه به دو شکل متصور هست.

۶-۱: راهبرد تدافعی - محتاطانه:

الف - انتظار برای ابلاغ دستورالعمل‌های دولت در زمینه تدوین برنامه و اقدام بر مبنای آن؛

ب - حضور در جلسات کمیته‌ها و شوراهای دفاع از مواضع سازمان؛

ج - مخالفت با احکام و تکالیف ناسازگار با اهداف و منافع سازمان؛

د - پذیرش نتیجه تصمیمات و مصوبات و اجرای آن‌ها در چهارچوب قوانین.

۶-۲: راهبرد تعاملی - فعالانه:

الف - رصد دقیق اقدامات و روند تدوین سیاست‌های کلی و احکام برنامه در بخش‌های مختلف دولت؛

ب - تعامل و یارگیری در بین دستگاه‌های تصمیم‌ساز، شرکای اجتماعی، رسانه‌ها و نهادهای اثرگذار؛

- ج- آگاهی واقع‌بینانه از نیازها، مطالبات و توقعات اجتماعی و سیاسی نسبت به سازمان؛
- د- تدوین پیش‌نویس احکام قانونی متناسب با نیازها و با حفظ مبانی کارشناسی و محاسبات بیمه‌ای؛
- ه- فرهنگ‌سازی در سطح جامعه و رسانه‌های همگانی؛
- و- حضور فعال در جلسات و مراکز تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و دفاع از پیشنهادهای سازمان.

۷. بحث و نتیجه‌گیری

با مذاقه و امعان نظر در قانون برنامه‌های توسعه این موضوع به اثبات رسید که در اجرایی نشدن قوانین توسعه در نظام حقوقی ایران، عوامل متعددی اثر گذارند. در این عرصه اگرچه در قانون اساسی، نظریه‌های تفسیری شورای نگهبان قانون اساسی و علی‌الخصوص سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری، تمهیداتی در راستای اجرایی شدن مصوبات و تقلیل حجم قوانین و مقررات معطل و بلاجرا پیش‌بینی شده است، مع‌الوصف وضعیت حقوقی برخی از مواد قانونی قانون برنامه‌های توسعه از صعوبت اجرای برخی مقررات حکایت دارد. رعایت اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی و تعیین سازوکار برای انطباق لوایح و طرح‌های قانونی با تأکید بر قابل اجرا بودن قانون و قابل‌سنجش بودن اجرای آن، شفافیت و عدم ابهام، استحکام در ادبیات و اصطلاحات حقوقی، ابتناء بر نظرات کارشناسی و ارزیابی تأثیر اجرای قانون، جلب مشارکت حداکثری مردم، ذی‌نفعان و نهادهای قانونی مردم‌نهاد تخصصی و صنفی در فرایند قانونگذاری از جمله مهم‌ترین اصول قانونگذاری در برنامه توسعه می‌باشند که در این راستا جمع‌بندی و ارزیابی از موفقیت‌ها و شکست‌ها در نحوه قانونگذاری، چهارچوب مناسبی برای قانون هفتم توسعه ایجاد می‌نماید. لحاظ شمولیت در تدوین برنامه توسعه از پیش‌نیازهای تدوین و اجرای یک برنامه موفق است. شمولیت در تدوین، به معنای مشارکت تمام ظرفیت کارشناسی کشور در تدوین برنامه توسعه هست که در این راستا بهره‌مندی دولت از نظرات نخبگان و به‌طور خاص عرصه رفاه و تأمین اجتماعی و در رأس آن سازمان تأمین اجتماعی می‌تواند از چالش‌ها و مشکلات به‌وجود آمده در این حوزه بسیار مهم پیشگیری نماید و این نظرات می‌تواند چشم‌انداز روشنی در توفیق برنامه‌های هفتم توسعه ایجاد نماید و نیز ارتباط دقیق و همسویی کامل برنامه هفتم با اسناد بالادستی از جمله سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی و تدوین مقررات آن از جمله استقرار نظام جامع تأمین اجتماعی مشتمل بر حوزه‌های امدادی، حمایتی و بیمه‌ای در سطوح پایه، مازاد و مکمل به‌منظور ارائه عادلانه خدمات که از اهداف مشترک این دو سند هست را برقرار نماید. برنامه هفتم توسعه مانند دیگر برنامه‌ها یک زمینه اصلی دارد که اولویت اصلی دولت را نشان می‌دهد. مهم‌ترین اولویت برنامه توسعه هفتم پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت هست و در این راستا باید بر اساس اقتصاد مقاومتی، ارتقاء وضعیت صندوق‌های بازنشستگی، پیشتازی در عرصه علم و فناوری، تعالی و مقاوم‌سازی فرهنگی، با در نظر گرفتن واقعیت‌های موجود

در صحنه داخلی و خارجی و مستقل از نظام سرمایه‌داری جهانی تنظیم شود. در این مقاله اصول قانونگذاری مطلوب قانون برنامه هفتم توسعه تشریح گردید و مهم‌ترین اصل قانونگذاری مطلوب در قوانین و مقررات سازمان تأمین اجتماعی، تأمین بار مالی مصوبات مطابق اصل ۷۵ قانون اساسی و ماده ۷۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور ارزیابی می‌گردد. نهایتاً ضروری است در سیر تصویب قانون برنامه هفتم توسعه بررسی دو موضوع ضروری یعنی تعهدات قانونی دولت در قبال صندوق‌های بیمه‌ای و بازنشستگی‌های پیش از موعد که علی‌رغم عدم پشتیبانی کامل و جامع دولت در حال اجرا است مدنظر قانونگذار قرار بگیرد.

۸. پیشنهادها

با امعان نظر در مفاهیم و تحلیل مواد قانونی برنامه توسعه پیرامون مقررات سازمان تأمین اجتماعی و در راستای تحقق اهداف متعالی سازمان تأمین اجتماعی، تداوم دستاوردهای سازمان در این رابطه نیازمند راهبردپردازی جامع و ارائه راهبردهای بهینه است که منطوق و مفهوم مذکور منعکس‌کننده ضرورت شاخص‌های ذیل هست:

- پیش‌دستی در تدوین احکام موردنظر ذی‌نفعان:
- ✓ پیشنهاد احکامی برای افزایش رضایت بیمه‌شدگان، بازنشستگان و کارفرمایان با رعایت مبانی کارشناسی سازمان.
- جلوگیری از تصویب احکامی که ماهیت دائمی دارند:
- ✓ تدوین پیش‌نویس لایحه‌ای برای اصلاح و دائمی‌شدن برخی مواد قانون برنامه ششم با ویرایش موردنظر سازمان.
- زمینه‌سازی و یارگیری برای اصلاحات پارامتری آینده‌نگر.
- مقابله مؤثر با اصلاحات مغایر با مبانی بیمه اجتماعی:
- ✓ تعامل رسانه‌ای و اجتماعی برای مقابله با اصلاحات سیستمی شتابزده.

منابع

۱. ابریشمی راد، محمدمامین، اسدی اوجاق، نادر. (۱۴۰۱). «مهم‌ترین علل قابل‌اجرا نبودن قوانین در نظام حقوقی ایران»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال یازدهم (شماره ۳۵): صص ۱۴۴-۱۱۹.
۲. اشتریان، کیومرث، کشوردوست جوبنه، سمانه، حاجی احمدی، فاطمه. (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر عوامل سیاسی بر اجرای برنامه پنجم توسعه (مطالعه موردی در حوزه سلامت)»، پژوهشنامه علوم سیاسی. سال نهم (شماره ۴): صص ۷-۲۲.
۳. انصاری، علی، مبین، حجت، قلی‌زاده، سعید. (۱۳۸۷). نقد آرای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مربوط به سازمان تأمین اجتماعی. تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
۴. پرهیزگاری، سید عباس، رزقی، ابوالفضل، روحانی، سید علی. (۱۳۹۴). گزارش درباره برنامه ششم توسعه (۱۳) بررسی رعایت برخی اصول قانون‌نویسی در قانون برنامه پنجم توسعه، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. شماره مسلسل ۱۴۶۳۰.
۵. جلالی، محمد، تنگستانی، محمدقاسم. (۱۳۹۳). «نگاهی به اصل (۷۵) قانون اساسی با تأکید بر آراء و نظرهای شورای نگهبان (در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی تا دوره هشتم)»، فصلنامه دانش حقوق عمومی. (شماره ۱۰): صص ۶۹-۹۰.
۶. راسخ، محمد. (۱۳۸۴). بنیاد نظری اصلاح نظام قانونگذاری. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۷. راسخ، محمد. (۱۳۸۵). «ویژگی‌های ذاتی و عرضی قانون»، مجله مجلس و پژوهش. (شماره ۵۱): صص ۴۱-۱۳.
۸. صمدیان، فرزانه، سلطانی‌نژاد، الهه. (۱۳۹۹). گزارش بایسته‌های راهبردی تدوین برنامه هفتم توسعه (با نگاهی به آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه قبلی و شرایط ویژه اقتصادی کشور): مرکز پژوهش‌های اتاق ایران.
۹. عبدالله‌زاده شهرابیکی، آزاده. (۱۳۹۸). «مبانی نظری بحث پیرامون مسئله کیفیت قانون: چیستی و چرایی؟»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی. (شماره ۶۳): صص ۳۱۵-۲۹۵.
۱۰. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۳). مقدمه علم حقوق. چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۱. گرجی، علی‌اکبر. (۱۳۹۶). «نظارت بر کیفیت قوانین در رویه‌های شورای نگهبان»، فصلنامه دانش حقوق عمومی. (شماره ۱۸): صص ۲۲-۱.
۲۱. مرکز مالگیری، احمد. (۱۳۹۷). چگونه بوروکراسی مانع اجرای قانون می‌شود؟ بررسی الکترونیکی کردن فرایند تجارت فرامرزی در ایران. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۶۰۶۸.
۳۱. مرکز مالگیری، احمد. (۱۳۹۸). «ویژگی‌های بوروکراسی توانمند برای اجرای قانون»، فصلنامه حقوق اداری. (شماره ۱۹): صص ۲۳۷-۲۰۹.
۱۴. مصطفوی، سیدمحمد حسن. (۱۳۹۶). «مروری بر برنامه‌های توسعه کشور با تأکید بر برنامه ششم و مقایسه آن‌ها

با معیار برخی شاخص‌های مرتبط با اقتصاد اسلامی»، فصلنامه علمی-ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، (شماره ۱۸): صص ۱۰۳-۸۳.

۱۵. میرزایی، اقبالعلی. (۱۳۹۳). «فانون و اعتبار زمانی آن با تأکید بر مفهوم و اوصاف قانون موقت»، مجله حقوقی دادگستری، شماره (۳۵)/ سال هفتاد و هشتم: صص ۱۷۱-۱۴۶.

۱۶. وکیلان، حسن، مرکز مالگیری، احمد. (۱۳۹۵). «مقدمه‌ای بر فلسفه قانونگذاری: در تکاپوی ارتقای کیفیت قانون»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی. (شماره ۵۱): صص ۵۴-۲۹.

۱۷. قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۱۷

۱۸. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۰۶/۱۱

۱۹. قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵

۲۰. قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۶/۰۱/۱۶

۲۱. قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۶/۰۱/۱۶

۲۲. قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴/۰۴/۰۳ و اصلاحیه‌های مربوطه

۲۳. قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۰۷/۰۸

۲۴. قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۰۸/۲۹

۲۵. قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب ۱۳۹۱/۱۰/۰۲

۲۶. قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲/۰۳/۲۵

۲۷. قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۴/۰۳/۳۱

۲۸. قانون «نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور» مصوب ۱۳۶۷/۰۹/۰۱

۲۹. قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور و اصلاح ماده (۱۱۳) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۸۲/۰۵/۲۶

۳۰. دادنامه شماره ۵۱۹ مورخ ۱۳۹۵/۰۸/۱۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

۳۱. دادنامه‌های ۱۲۶۴ الی ۱۲۶۷ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۰۹ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

۳۲. تصویب‌نامه شماره ۱۲۲۲۹۰/ت/۵۱۱۲۸ هـ مصوب ۱۳۹۵/۱۰/۰۵ هیئت‌وزیران

۳۳. تصویب‌نامه ۳۲۷۲۶/ت/۵۵۹۵۹ مصوب ۱۳۹۸/۰۲/۲۵ هیئت‌وزیران

۳۴. نامه‌های شماره ۲۰۷۳۵/۱۳۸۷۴۷ مورخ ۱۳۹۲/۰۸/۱۹ و ۱۳۹۲/۱۵۳۸۸۱ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۰۴ معاونت حقوقی ریاست جمهوری

۳۵. -بخشنامه ۷۰ سازمان تأمین اجتماعی مورخ ۱۳۹۶/۰۴/۰۱
۳۶. -بخشنامه شماره ۱۷ امور فنی بیمهشدگان مورخ ۱۳۹۵/۰۹/۰۱
۳۷. -بخشنامه ۹ مشترک فنی و درآمد مورخ ۱۳۹۰/۰۲/۲۷
۳۸. -بخشنامه شماره ۱۵ مشترک فنی و درآمد مورخ ۱۳۹۵/۰۴/۰۶
۳۹. -مصوبه شماره ۱۱۰۰/۱۴۰۰/۶۶۹ مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۰۶ هیئتمدیره سازمان تأمین اجتماعی
۴۰. -دستور اداری شماره ۱۰۰۰/۹۴/۶۲۴۵ مورخ ۱۳۹۴/۰۶/۱۱
۴۱. -دستورالعمل شماره ۲ مکانیزه مورخ ۱۳۷۹/۰۴/۰۵



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فصلنامہ
تاریخ و تمدن
سال ہجرت ۱۴۰۱
شمارہ چہارم